

نابودن باد جنگ؛ مرگ بر  
خمینی؛  
زنده باد صلح و آزادی

# نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
پیرو برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال چهارم ۴۲  
آذر ماه ۶۶ - شماره

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

## رسوایی معاملات پنهانی دولت فرانسه با رژیم تروریست خمینی و اخراج پناهندگان ایرانی

رژیم خمینی که در منجلابی از مسائل و مشکلات زائیده از ماهیت قرون وسطایی و سفاکانه خود در حال دست و پا زدن است، بعد از تحمل رسواییهای گوناگون در عرصه داخلی و بین المللی و همزمان با اوج گرفتن تضادهای درونی که مختص دوران احتضار رژیمهایی از این نوع است و در حالی که روز بروز بیشتر در عرصه بین المللی منزوی و با شکست گوناگون در مجامع بین المللی محکوم میگردد و مهمتر از همه در حالیکه زیر ضربات طاقوت فرسای ارتش آزادیبخش ملی طومار زندگی سراسر ننگ و فحاشی در حال از هم پاشیدن میباشد، بخمسال خود برای ضربه وارد آوردن به کانون مقاومت انقلابی و جلوگیری از فعالیت نیروهای انقلابی، با لایحه متوقف کردن فعالیت اشخاصی که هواداران مجاهدین خلق در خارج از کشور، با سلاح تروریسم و شانساز از ضعف ماهوی دولت دست راستی فرانسه استفاده کرده و با در دست داشتن چند تن گروگان فرانسوی که توسط سازمانهای مزدور خود از جمله " سازمان عدالت انقلابی" در لبنان مدتها قبل به نزدی سفن آنها اقدام کرده بود، به مذاکرات مخفی با این دولت و زودبندیهای شرم آور دست بازید که در این راستا هر روز برگی جدید از این سازشها که بحق در تاریخ دولتهای اروپایی بسابقه است رو شده و به معرض تفاوت جهانیان در می آید.

در صفحه ۹

## تلاشهای مذبحخانه رژیم اعتلای مقاومت مسلحانه

به آن نیروهایی که در خلیج فارس صف آراشی کرده اند و توجه به ابعاد این مساله و اینکه " جنگ فراسوش شده"، اکنون در تیتراژ اول تمامی خبرگزاریها و رادیو و تلویزیونهای جهان قرار گرفته، روشنگر این واقعیت است که آنچه در جامعه ما میگذرد چیزی نیست که هیچ نیروی جدی بتواند از کنار آن بگذرد. از شهادت های خمینی و اعوان و انصارش، تا نگرش پر طینت سلسل های رژیمدگان دلبسته مقاومت انقلابی، از نعره های نفرت انگیز دژخیمان و شکنجه گران رژیم تا مقاومت حماسی اسرای قهرمان انقلاب از قتلواهای نفرت انگیز مرتجع ترین مرد تاریخ تا مقاومت دلبرانه مردم در زنجیر ایران، از زحمت و کار زحمتکشان و کارگران میهن ما، تا پر شدن کیسه سرمایه داران و تجار " محترم" از به غارت دالان باغی ملی مردم ایران تا پر شدن جیب امپریالیزم، انحصارات تبلیغاتی و دلان فروش اسلحه از مرتجعین حاکم، زهرینک های ترسو و اپورتو- نیست های کودن تا انقلابیون محکم و نیروهای آزادیخواه و استقلال طلب همه جا حرکت و تلاش برای اهداف معینی است که انگشاف مبارزه طبقاتی و صف بندیهای غمی جامعه، در مقابل نیروهای مختلف قرار داده است. اکنون تمامی جریانها در صفحه ۲

در یک دوران انقلابی، هنگامی که بحران های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنقدر شدت و حدت یافته اند که جامعه آرامش و سکون دوران " قانونی" را از دست می دهد، هر روز شاهد رویدادهای و حوادثی هستیم که وسعت و عمق آن به اندازه رویدادهای چندین سال دوران " قانونی" است. نگاهی بسعه رویدادهای چندین ماه گذشته جامعه ما، نشان میدهد که ایران اکنون در چه بحران عمیقی سیر می کند. هیچ چیز در جامعه کنونی ایران، آرام و قرار ندارد. همه ی آن عناصری که جامعه ایران را می سازد، تحت تاثیر تضاد عمیقاً آنتاگونیستی توده های مردم و ارجح حاکم، قرار گرفته و به میزبانی از آن تاثیر پذیرفته و در کشاکش های ناشی از این تضاد حرکتش شدت می یابد. آن آرامشی که عناصر محافظه کار جامعه خواهان آنند، مدنیت است که از جامعه ما رخت بر بسته است. تا جایی که در این بحران عظیم اجتماعی، محافظه کاران نیز با در لباس " است همیشه در صحنه" در آمده اند و با در پشت " صحنه است" به توطئه گری مشغولند. در عرصه بین المللی نیز اکنون مدنیت است که تمامی تضادهای منطبقه خاورمیانه، تحت الشعاع، مسائل ایران قرار گرفته و حقیقتاً اغراق نخواهد بود اگر بگوییم یکی از چند مساله مهم جهان کنونی، مساله ایران است. نگاهی

### پیام تبریک رفیق مهدی سامع به آقای مسعود رجوی فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران

فرماندهی کل ارتش آزادیبخش ملی ایران  
همرزم مجاهد مسعود رجوی  
با درودهای انقلابی:

امشب صدای مجاهد، خیر پیروزی بزرگ مجاهدان دلیر ارتش آزادیبخش ملی ایران را پخش نمود. این عملیات دلورانه و افتخار آفرین که منجر به کشته زخمی و اسیر شدن تعداد زیادی از مزدوران سرکوبگر و جنگ امروز رژیم خمینی گردید، در پایگاههای مرزی سازمان ما باعث شور و شغف بسیار شد. از جانب هم زمانان در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)، این پیروزی بزرگ را به مردم مبارز و آزادیخواه ایران، به رژیمدگان دلیر مقاومت انقلابی و به فرماندهی کل ارتش آزادیبخش ملی ایران تبریک می گویم.  
نابودن باد جنگ و مرگ بر خمینی  
زنده باد صلح و آزادی  
نماینده و سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)  
مهدی سامع ۲ / آذر ۶۶

### تحریم تسلیحاتی یا ...

در آبان ماه جاری، دولت آمریکا محدودیتهای داد و ستد با رژیم جمهوری اسلامی را اعلام نمود. بیان این مطلب از جانب کشوری که تا به حال بیشترین سهم در تامین منافع حیاتی رژیم خمینی برای بوجود آوردن کانونهای تشنج در منطقه خلیج فارس را داشته، ارزیابی مشخصی را مطلبد که ماهیت چنین اقداماتی را روشن کرده و به سزای اساسی پاسخ گوید.  
اگر بطور مجرد و بدون پرداختن به ساختار امپریالیستی نظام اقتصادی - اجتماعی آمریکا هم به حرکت دولت ریگان نظری افکنده شود، پوشالی بودن ادعاهای آن از لابلای میاهوی تحریم نظامی و اقتصادی به چشم میخورد. تحریم لغتی جمهوری اسلامی اولین اقدامی بود که حتی پیش از اعلام منع واردات و صادرات به ایران انجام شده بود. البته این تحریم شامل نفتی که در کشورهای ثالث پالایش شده باشد، نمیگردد! به بیان دیگر صدور نفت ارزان در صفحه ۵

### ورزشکستان به تقصیر

رفیق مهدی سامع

در صفحه ۷

### کودکان در رژیم خمینی

در صفحه ۶

### وضع فلاکت بار مردم در شهرهای اطراف تهران

در صفحه ۱۲

اخبار و رویدادها

در صفحه ۴

رویدادهای تاریخی

در صفحه ۱۲

اطلاعیه سازمان در مورد اخراج ۱۴ پناهنده ایرانی

در صفحه ۱۰

از فرانسه

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی



## تلاشهای مذبحخانه رژیم اعتدالی مقاومت مسلحانه

اجتماعی ، که در هر مبارزه طبقاتی اهداف معینی را تعقیب می‌کنند ، نه با ادعاهایشان ، بلکه با عمل اجتماعیشان مورد قضاوت قرار می‌گیرند و در شرایط کنونی ، آن عملی واقعا اجتماعی است ، کسه در صف بندهای بین ارتجاع و مقاومت ، بین رژیم حاکم و مردم یکی را تقویت و دیگری را تضعیف کند .

اکنون ما در شرایطی هستیم که بر خلاف آن اپورتونیست های لیبرال منش و بی عملی که ، تمامی هنرشان در فقدان موضع گیری صریح است ، باید بر این امر تاکید کنیم و باز هم تاکید کنیم و بگوییم که ، تا آنجا که به تضاد بین مردم و مقاومت از یکطرف و رژیم ددمنش و ارتجاعی حاکم مربوط است یا سیاه سیاه و یا سفید سفید ، تا آنجا که به رژیم خمینی مربوط میشود ، طی چند ماه گذشته ، تمامی انرژی ضد انقلابی و ارتجاعی اش را برای کشیدن اجباری مردم به جبهه خودش ، یعنی جبهه سرگرد و نیستی ، جبهه جنگ و سرکوب ، بکار گرفت . رژیم در اوج بحرانیهای لاعلاج و بن بست های متعدد ، باز هم جامعه را به شلاق کشید ، انتقام شکست های کربلا را از مردم میخواهد بگیرد . آیا رژیم از این بن بست و بحران ، به بن بست و بحران دیگری حرکت خواهد کرد و با در همین پروسه ، مجموعه تضادها گلویش را گرفته و آنرا خفه خواهد کرد ؟

اگر مجموعه تضادهای عینی و یک سلسله عوامل ذهنی برای خفه شدن رژیم در این شرایط آماده است ، این کدامین عامل است که در صورت به میدان نیامدن آن ، رژیم باز هم در اوج بحران و بن بست ، خواهد توانست تنفس کند . برای پاسخ به این سوال باید حوادثی که در چند ماه گذشته اتفاق افتاد ، را مرور و بررسی کنیم .

شکست کربلاها و بویژه کربلای ۵ ، سال سرنوشت را به سال نیکت تبدیل کرد . این شکست ، ماجرای " خمینی - ریگان - کنترا " را تکمیل نمود و امپریالیسم آمریکا و متحدین آنرا وادار به اتخاذ سیاست " کنترل " خمینی نمود . جنگ که بر طبق نیاز امپریالیستها قرار بود در حدود مرزهای زمینی جریان داشته باشد ، به مرزهای آبی و آنهم به یکی از حساس ترین نقاط آبی جهان کشیده شد ، شکست کربلاها ، رژیم خمینی را وادار کرد تا بحران را بنا صدور آن ، سرشکن کند . پیام نفرت انگیز خمینی به زائران مکه ، نوع خمینیستی بین المللی کردن جنگ بود . آمادگی ملک فهد در پاسخ عملی دادن به این پیام که مسلما چراغ سبز ریگان در آن نقش تعیین کننده داشت ، نقش خمینی را نقش بر آب کرد .

توافق اعضای دانشی شورای امنیت بر سر قطعنامه ۵۹۸ ، همراه با حضور ناوگانهای آمریکا و متحدین غربی اش در خلیج فارس ، رژیم را به محضه عجیبی گرفتار کرد . خمینی در مقابل دوراهی عقب نشینی و با ادامه راه ، به تاکتیک وقت کشی ، همراه با عقب نشینی های جزئی متوسل شد . اما این وضع نمی‌توانست زیاد دوام بیاورد ، حتی شایعه " آتش بس " و " قطع جنگ " هم ، نیروهای رژیم را فرسوده می‌کرد . خمینی بخوبی دریافته بود که نمی‌تواند با

امریکا درگیر شود ، وی که در گذشته از حمله امریکا بخاطر اینکه خواهد توانست با امریکا مستقیما فزکیر شود ، در حرف و عوامفریبانه استقبال کرده بود ، اینک که شیطان با لای سرش ایستاده بود ، میلی زدن را فراموش کرد و مجبور شد که سلی خورمن را تمرین کننده خمینی در مقابل گلولهباران اسکله رستم بندر بدون پرچم امریکای کویت را بمباران کرد و با این اقدام پیام خود را به امریکا رساند و در مقابل خمینی تمسیم گرفت که بجای جنگ با " شیطان بزرگ " به کشتن مردم عراق و به کشته دامن مردم ایران " فضاقت " کند . بحران انقلابی ایران ، بسا واقعات را عملا افشاء می‌کند ، برای بسیار کسانیکه موج توهام خردسوزوواشی را در جریان اشغال سفارت امریکا دیده بودند ، این تصور بوجود آمده بود که ورود ناوگانهای امریکا به خلیج فارس به خمینی کمک خواهد کرد تا باز هم به شهادی " ضد امپریالیستی " بپردازد . البته اگر در صحنه سازی تنها خمینی و ریگان موجود بودند ، شاید خمینی می‌توانست به تکرار آنچه آزمایش شده بود ، بپردازد ولی واقعات موجود در بحران ایران ، قطب بندی کاذب خمینی - ریگان را بر هم زده بود .

خمینی که در حرف همیشه به امریکا سیاهی میزد ، این بار حتی " سفارشات لازم " را برای دوری جستن از شیطان بزرگ نموده است . خمینی در حرف هم به صحنه واقعی یعنی جنگ با مردم و جنبه در جبههها بعنوان مکمل آن روی می‌آورد . مزدوران حلقه بگوشش ، به تکرار این امر می‌پردازند . در روز ۱۲ آبان اسال ، بمباران ۳۰روز اشغال سفارت امریکا تظاهراتی در تهران با شرکت تیروهایی حزب الله برگزار میشود . در این تظاهرات که شعارش از بحران رژیم و متجمله خامنه‌ای ، موسوی ، احمد خمینی و مهدوی کنی ، جنتی ، ظهیر نژاد و ... شرکت داشتند ، رقتناجانی گفت : " تمیمی که ملت مقاوم ایران باید در سالهای آینده در مقابل سیاستهای توسعه گرانه امریکا اتخاذ کند ، امروز گرفته است و همانگونه که در قطعنامه راهپیمایان تاکید شده از فردا - فته آسادگی برای مقابله با تجاوز امریکا اعلام میشود . ما باید آماده باشیم که جواب اصلی ماجراجویی امریکا را در جبهه نبرد با رژیم عراق بدهیم ، زیرا صدام عامل امریکاست " (رادپو رژیم - ۶۶/۸/۱۲)

ملاحظه میشود که این آخوند وقیح و جنایتکار چگونه با عوامفریبی می‌خواهد تصور جنگ ضد سردی- اش را گرم نگذارد . روز بعد نخست وزیر جنایتکار خمینی در پایان جلسه هیئت سیاسی دولت اعلام نمود که : " اعلام این هفته نباید یک حرکت سیاسی و تبلیغاتی تلقی شود . ما اینک در شرایط بسیار حساسی قرار داریم و بسبب تمامی نیروها برای مقابله با شیطان بزرگ یک ضرورت جدی است . " (رادپو رژیم - ۶۶/۸/۱۲)

علیرضا افشار ، سخنگوی جنایتکار سپاه بعد از موسوی به صحنه آمد و به عوامفریبی پرداخت . وی در نماز جمعه روز ۶۶/۸/۱۵ اعلام نمود که : " ملت ایران در برابر دشمن صهیونیستی راه ادامه نبرد مقدس تا پیروزی نهایی را انتخاب کرده است . به همین خاطر هفته آسادگی برای مقابله با تجاوز

امریکا فرصت مغتنمی است برای مردم ، دولت و نیروهای نظامی تا برنامهریزیهای لازم را برای انجام عملیات مستمر و پیاپی انجام دهند " . همین جنایتکار ضد انقلابی روز بعد طی یک مصاحبه اعلام نمود که : " برای مقابله با توطئه‌های امریکا کسانی که توان شرکت در جبهه ، چه بصورت رزمنده عملیاتی و چه بصورت کادر تخصصی - پشتیبانی را دارند ، بایستی آماده ثبت نام به جبهه‌های نبرد باشند . . . . . اقشاری که از توانایی مالی بیشتری برخوردار هستند لازم است علاوه بر سایر پشتیبانها ، در امر هزینه جنگ کمک کرده و با تقبل هزینه رزمی یک رزمنده تا یک واحد نظامی ، یاری رسان سپاه اسلام باشند " . وی سپس ادامه داد که : " در پی سمیناری که با حضور فرماندهای یگانهای رزمی برگزار شد ، طرحهای مورد نظر برای تقویت پدافند در خلیج فارس و انجام عملیات مختلف در طول خطوط جبهه مورد بررسی قرار گرفت " .

از این روزه خوانندهای پر آب و تاب سران رژیم تا اینجا مطالب زیر روشن میشود :

- ۱- تاکتیک عملیات رژیم ، تاکتیک شکست خورده عملیات مستمر و پیاپی خواهد بود .
  - ۲- مبارزه با امریکا ، حتی در حرف هم تخفیف پیدا می‌کند و صحنه اصلی نبرد ، مرزها خواهد بود .
  - ۳- رژیم از نظر نیرو در صقیفه است و در صدد است تا فشار برای شکار نیرو را افزایش دهد .
  - ۴- حزب الله با روزه خواننها و معرکه گیریهای کهنه شده در صدد است تا غارت و چپاول مردم را برای سخراج جنگ افزایش دهد .
- بدین ترتیب هفته آمادگی ، که در حقیقت برای تعرض به مقاومت مردم است ، با یک سلسله تبلیغات و روزه خوانندهای فالانزیستی سپری میشود و در تاریخ ۶۶/۸/۱۲ ، رژیم برگ جدیدی از ددمنشی و وحشیگری را رو میکند . شورای عالی پشتیبانی جنگ طی یک نامه به دیکتاتور جماران " لزوم وارد آوردن ضربات موثر و متوالی را حتمی میسازد . . . . . " (رادپو رژیم - ۶۶/۸/۲۱)

شورای عالی پشتیبانی جنگ در ادامه نامه خود می‌نویسد : " شورای عالی پشتیبانی جنگ با تصور و بررسی کامل ، طی جلسات متعدد و پس از تشکیل سمیناری مرکب از جمع کثیری از علمای اعلام ، ائمه جمعه و مسئولان دولتی و نهادهای انقلابی و با توجه به آمادگی مشتاقانه مردم برای شرکت در دفاع مقدس به این نتیجه رسیده است که برای تهیه یمه و فدهای لازم ، برای یک سلسله عملیات متوالی و موثر در سراسر خطوط تماس و تدارک تجهیزات ضروری برای این مقطع حساس لازم است از امکانات کشور ، بیش از گذشته استفاده شود . مستدعی است اواامبر و ارشادات عالی را ابلاغ فرمائید " (همانجا)

و خمینی جواب می‌دهد که " واضح است و کسرا را گفته شده است که این جنگ تحمیلی در راس امور واقع است و لازم است به همت همه اقشار کشور هر چه سریعتر با عنایات حق تعالی پیروزی بدست آید . بنابر این آنچه شورای عالی پشتیبانی جنگ و متخصصان امور جنگی ضرورت تشخیص دادند ، باید عمل شود و کوتاهی نگردد . . . . . " (رادپو رژیم - ۶۶/۸/۲۱)

بدین ترتیب رژیم یکبار دیگر تمسیم گرفت تا



تلاشهای مذبحانه رژیم  
اعتلای مقاومت مسلحانه

شانی خود را با سیخ نیرو در جبههها بیازماید. بدنبال این فتوای ارتجاعی و ضد انسانی شورای عالی پشتیبانی جنگ طی يك بیانیه ۱۰ ماده‌ای، ارتجاعی ترین و ضد انسانی ترین اقدامات برای سیخ نیرو و چپاول مردم را شروع نمود. شورای عالی پشتیبانی جنگ در مقدمه بیانیه خود می‌گوید: "۰۰۰ اکتسون در حالی که جنایت پیشه‌ها حاکم بر عراق در مانده‌وخته در لجن زار مشکلات اقتصادی و نظامی و سیاسی خود دست و پا می‌زنند ۰۰۰۰ آمریکا و متحدان اروپاییش و مزدورانش در منطقه در صدد برآمده‌اند تا آخرین تلاشهای خود را برای نجات قایق طوفان زده صدامیان بکار گیرند و ۰۰۰۰۰۰ در چنین شرایطی سیاست دشمن آنست که جنگ را در حالت توقف و رگ‌بند نگه داشته ۰۰۰۰۰۰ اینک مرحله‌ای فرا رسیده است که باید با تداوم عملیات و وارد آوردن ضربات متوالی امان را از دشمن گرفت و سرنوشت حتمی او، یعنی سقوط و شکست را نزدیک ساخت ۰۰۰۰۰" (رادپو رژیم ۶۶/۸/۲۲)

در مقدمه این بیانیه رژیم زبان حال خود را تحت عنوان شرایط حاکم بر دشمن توضیح می‌دهد. گردانندگان جنگی رژیم، ترس و وحشت خود را از توقف جنگ اعلام میدارند و می‌گویند تا "قایم طوفان زده" خود را برای مدتی هر چند کوتاه ترمیم کنند، بدین لحاظ سردمداران جنگی رژیم اعلام میکنند که "ما اکنون کلیات وظایفی را که بر عهده قشرهای گوناگون است ارائه میدهمیم" (همانجا)

بیانیه سپس طی ده ماده، اوج درمادگی و نیز منتهای خیانت و ددمنشی گردانندگان رژیم را عیان میکند. ماده يك این بیانیه به مساله نیرو می‌پردازد و اعلام میکند که هر کس که می‌تواند باید به جبهه برود. ماده دوم به مساله چپاول و اخاذی از مردم می‌پردازد و میگوید که زنان و بیماران و افرادیکه قادر به رفتن به جبههها نیستند باید حداقل مخارج يك سرباز جنگی رژیم را برای مدت سه ماه بپردازند. ماده ۲ به تبلیغ و گرم نگه‌داشتن تنور تبلیغات جنگی مربوط است. در ماده ۴ از متخصصان می‌خواهند که به جنگ خدمت کنند. در ماده ۵ از فرماندهان ارتش و سپاه خواسته میشود که بر اساس تاکتیک عملیات "متوالی و متنوع" طرحهای خود را ارائه دهند. در ماده ۶ به دستگاههای دولتی گفته میشود که تمامی امکانات خود را به جنگ اختصاص دهند. در ماده ۷ از آخوندهای مفتخور خواسته میشود که با امت در صحنه، همکاری و همیاری کنند مواد ۸ و ۹ مربوط به ثبت نام داوطلبان و آموزش آنان است که به سپاه مربوط میشود و ماده ۱۰ مربوط به دستگاه قضایی است که از این دستگاه خواسته میشود تا مشکلات مربوط به نیروها را حل کند. با يك نگاه به این ۱۰ ماده، مشخص میشود که هیچکدام از این عوامل ارتجاعی تازگی ندارد، و سران رژیم بارها در اشکال مختلف و با حیل‌های متعدد آخوندی این مفاسد را بیان کرده و هر جا که توانستند آنرا اجرا کرده‌اند. سال گذشته، هنگامی که خمینی دستور تمام کردن کار جنگ را صادر کرد آن سال را

"سال سرنوشت" نامگذاری نمود، با طرحهای سرکوبگرانه، غارتگرانه و ضد انسانی که بوسیله گردانندگان رژیم ارائه و در مواردی که قدرت رژیم اقتضا میکرد اجرا میشد و در مواردی هم سر روی کاغذ می‌ماند، طرح "تعمین تکلیف" یکی از مواردی بود که بر روی کاغذ ماند و با همین اسمال "دفترچه ذخیره آخرت" که بر روی کاغذ ماند ۰۰۰ اما بنظر می‌رسد گردانندگان و مزدوران رژیم می‌خواهند تا آنجا که میتوانند به مردم برای اجرای طرح ۱۰ ماده‌ای سران جنگ طلب رژیم فشار وارد کنند. بدین لحاظ است که در اطراف این پیام ۱۰ ماده‌ای، جبار و جنجال بسیار بپا کرده‌اند و دروغ‌های همزمان با بخش پیام شورای عالی پشتیبانی جنگ، ستاد کسل نیروهای سه گانه سپاه، با صدور اطلاعیه‌ای در تاریخ ۶۶/۸/۲۲ اعلام آمادگی برای "جذب آموزش، سازماندهی و بکارگیری نیروهای داوطلب" نمود. سپاه اعلام نمود که "اولین اعزام سراسری از اول تا ۱۲ آذر ماه تحت عنوان سپاهیان حضرت محمد از سراسر کشور صورت خواهد گرفت"

(رادپو رژیم - ۶۶/۸/۲۲)

بفاصله یکروز پس از انتشار پیام، سرتیپ جنایتکار سهرابی (رئیس ستاد مشترک ارتش) به اتفاق فرماندهان نیروی سه گانه ارتش و تنی چند از سران ارتش با خامنه‌ای دیدار نمود و در این دیدار فرماندهان ارتش "برنامه‌های پیشنهادی ارتش برای رویارویی با ۰۰۰" را به اطلاع خامنه‌ای رساندند.

(رادپو رژیم ۶۶/۸/۲۲)

چیزی که در این ارتباط جلب توجه می‌کنند اینست که ارتش در مقابل طرح‌های جبار، طرح جداگانه ارائه می‌دهد و بنظر می‌رسد که اوتش سه جبهه میانی تاکید بیشتری داشته و نقشه اصلی اش تمرکز نیرو در مقابل سپاه دوم عراق برای شکست این سپاه و حرکت سوی بغداد باشد. در حالیکه طرح سپاه باز هم بر جبهه جنوبی، همراه با عملیات پراکنده در جبهه‌های شمالی و میانی تاکید دارد. نکته دیگری که در این رابطه جلب توجه می‌کند، فعال شدن خامنه‌ای است. نباید فراموش کرد که سال گذشته صحنه گردان اصلی فعالیت‌های جنگ طلبانه رژیم، رفسنجانی و سپاه شد خلقی بود. شکست ماجراجوییهای سال گذشته رژیم، همراه با افشاء ماجرای "ریگان - خمینی - کنترا" موقعیت خامنه‌ای را در مقابل رفسنجانی تقویت نمود. خامنه‌ای بویژه در مقابل نفوذ رفسنجانی در سپاه و همدستی او با حسن رضائی، می‌کوشد تا ارتش را کاملاً در اختیار خود قرار دهد. توجیهی که اسمال نسبت به ارتش و دیگر ارگانهای شاه ساخته میشود نه به این دلیل که اکنون دیگر سپاه نیروی اصلی سرکوب نیست، بلکه بعلمت عدم کارایی سپاه در زمینه پیشبرد جنگ است. حلات همراه با مسووح انسانی، آنچنان ضرباتی به بدنه سپاه وارد آورده که دیگر سپاه قادر نیست بدون کمک جدی ارتش، حمله موثری انجام دهد. فعال شدن هر چه بیشتر ارتش از نظر سیاسی و تعلق گوشه‌های روز افزون سران رژیم نسبت به ارتش و اظهارات تنوع‌آور سران ارتش در مورد "رهبری امام" و "۰۰۰ میان‌کننده افزایش وزنه ارتش در ماشین جنگ و سرکوب رژیم

پس از شکست عملیات کربلا ۵ است. بهر حال علاوه بر سپاه و ارتش، دیگر ارگانهای سرکوبگر و جنگ افروز رژیم نیز به موازات برانگیختن جو فالتزیمینی در جامعه، اظهار آمادگی برای غارت مردم می‌نمایند. علاوه بر روز مجامعی در سراسر کشور بمنظور گرم نگه‌داشتن تنور تبلیغات جنگی رژیم جریان پیدا میکند. موسوی، نخست وزیر رژیم در مراسم پایانی دوره پنجم فرماندهی ستاد در دانشکده فرماندهی ستاد ارتش اعلام میکنند که "این اعلام آمادگی و بسیج همگانی نیروها بدین منظور است که ما در مقابل تمامی تجاوزات دشمن در منطقه ایستاده‌ایم" (رادپو رژیم - ۶۶/۸/۲۲)

همزمان آخوند حکیم و مزدوران او اعلام میکنند که کلیه عراقیهای ساکن ایران "که امکان توانایی حمل سلاح و حضور در جبهه را دارند ۰۰۰ خود را به مجلسی انقلابی اسلامی در سراسر کشور معرفی و ثبت نام کنند" (رادپو رژیم - ۶۶/۸/۲۲)

بدین ترتیب شکار عراقیهای ساکن ایران هم با شدت شروع میشود. در تاریخ ۲۵ آبانماه خامنه‌ای پس از جلسه شورای عالی جنگ اعلام نمود که: "امروز بحث‌های متعددی را ما در این جلسه داشتیم که اهم آنها مربوط میشد به مسئله جهاد مالی ۰۰۰۰۰۰ در جهاد مالی ما واحد را يك رزمنده گرفتیم ۰۰ فقط حقوق يك رزمنده ۰۰۰ حدوداً بیست هزار تومان شد. يك رزمنده برای مدت سه ماه حدود ۲۰ هزار تومان مخارج خوراک و پوشاک و حقوق خودش و برخی مخارج جزئی دیگر است ۰۰۰۰۰۰ من اینرو تاکید بکنم جهاد مالی اینجور نیست که برای همه کس جای جهاد جانی رو بگیره ۰۰۰" (رادپو رژیم - ۶۶/۸/۲۵)

خامنه‌ای بلافاصله اعلام میکند که خمینی هزینه ۵۰ نفر را قبول کرده است، از این زمان تا تهیه این مقاله (۶۶/۹/۱۰) تبلیغات رژیم با در محور مانور بسیجیان این یا آن شهر و یا پیرامون اخاذی از مردم دور می‌زند. رژیم در تبلیغات خود، دست هر چه دروغ گو بوده از پشت بسته است. بطور مثال رادپو رژیم اعلام میکند که مانور يك میلیون از بسیجیان اصفهان برگزار شد و ۰۰۰ بخوبی واضح است که رژیم خود را برای حملاتی در ماههای آینده آماده می‌کند. گر چه بطور دقیق نمیتوان گفت که حمله اصلی رژیم اساساً صورت می‌گیرد، با نه و اگر صورت می‌گیرد دقیقاً در چه زمانی است، اما آنچه مسلم است اینست که رژیم با مجموعه تبلیغات و تدارکاتی که کرده است نمیتواند مدت زیادی بدون حرکت باشد. آنچه مسلم است رژیم هر لحظه که بتواند مبادرت به تهاجماتی به خاک عراق (بطور مسلم از جبهه جنوب) خواهد نمود که مسلماً نتیجه آن جز شکست و رسوایی برای رژیم چیز دیگری نخواهد بود. اما آنچه در این رابطه برای مقابله اهمیت دارد اینست که بتواند از این مجموعه شرایط حداکثر استفاده را ببرد. رژیم در شرایط کنونی با تمامی قدرت تعرض به توده‌ها را در شکل جدیدی آغاز کرده است. مسلماً در مقابل این تعرضات مقاومت مردمی صورت می‌گیرد اما این مقاومت بخصوص در شرایطی که رژیم نیروها را وارد صحنه جنگی میکند و در شرایطی که مردم شاهد باز هم شکست رژیم خواهند بود، دارای



## اخبار و رویدادها....

رادیو سندج در برنامه روز دوشنبه ۶۶/۱۰/۲ اعلام نمود که مقتدای سخنگوی شورای عالی قضایی به کردستان رفته تا اوضاع و احوال دادگاههای شرع را رسیدگی کند. در این دیدار استاندار سردور کردستان بنام تابش طی سخنانی در مقابل مقتدای سردور گفت " سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب و آغاز فتنه گروهبها در کردستان این بود که صف مردم را از صف ضد انقلاب جدا کند و در راستای همین سیاست بود که ضد انقلاب را مجازات و مردم را کمک کرد".

تابش سردور از " کمک به مردم"، خمپاره با ران کردن شهر و روستا، آتش زدن روستاها، و سران کردن روستاها، کوچ دادن روستاها، دستگیری خانوادههای پیشمرگان، محاصره اقتصادی چندین ساله و انواع و اقسام فشارها را میفهمد که اینگونه دروغهای مفتضحانه را سر هم میکند. و گرنه همه میدانند که بین مردم و رزمندگان پیشمرگه آلمان پیوندی عمیق وجود دارد.

رفسنجانی جنایتکار در نمایش نماز جمعه روز ۶۶/۹/۶ با عوامفریبی خاص این آخوند سی آبرو گفت: " ما هنوز در مراحل داوطلبی هستیم، چه از لحاظ نیرو و چه از لحاظ مالی". این در حالی است که مزدوران رژیم فشار بر مردم را در حد بیسابقه‌ای افزایش داده و اخاذی از مردم به شیوه روزانه سران رژیم تبدیل شده است. تازه رفسنجانی قبلا هم گفته بود که " ما این را سیخ عمومی نمی‌نامیم، سیخ عمومی مرحله بعدی است " (کمپان رژیم ۶۶/۸/۲۵)

معلوم میشود که وقتی رژیم با تمام فشارهایش نمیتواند مقاومت مردم را در هم بشکند، به شیوه آخوندی شکست خود را تحت عنوان "مرحله داوطلبی" توجیه میکند.

## دعوی کرکها

تضادهای درونی رژیم هر روز شدت و حدت می‌یابد و با هر رویداد کوچک و بزرگی این تضاد شدت می‌گیرد. یکی از محل‌هایی که این تضادها شدت بروز می‌کند، مجلس ارتجاع است. آنچه در زیر می‌آید، گفته‌های دو تن از نمایندگان مجلس ارتجاع است که از کمپان هوایی شماره ۶۶/۹/۲۱۷۵۳ نقل میشود:

" امام بزرگوار از دیر زمان فرسوده‌اند، جنگ در راس امور است و به مسئولان با شیوه‌های گوناگون ابلاغ می‌گردند. ولی همه مخاطبین این سن ساله را جدی نمی‌گرفتند و مسائل خودشان را در راس قرار می‌دادند " (محمد ناصر توسلی زاده - نماینده ارتجاع)

" می‌گویند بنیاد نبوت فقط بدهی مالیات‌بش ۸۵۰ میلیون تومان برآورد میشود. مگر چند ماه قبل فاجعه شرکت رکهار مطرح نشد؟ مگر رئیس دیوان عالی کشور نگفت که یک دادیار شرافتمند ۴۰۰ میلیون تومان رشوه‌ای را که به او اعلام شده بود، نگرفت. آیا امروز ما نباید خون می‌گریستیم. بروز

چنین فحاشی در کشور در حالی اتفاق می‌افتد که برای خانه یک رزمنده بسیجی که بیشتر شبیه سردانی است، حکم تخلیه صادر میشود و از طرف دیگر یک شرکت یا یک آدم پلید تا آنجا که میتواند بدزدند و وعده ۴۰۰ میلیون تومان رشوه به دادیسار بدهد " (سید علی اکبر طاهائی - نماینده ارتجاع از تنکابن)

## تأمین مسکن به شیوه ارتجاعی

مجلس ارتجاع در روز ۶۶/۸/۱۲، چند ماده از اساسنامه بنیاد مسکن را تصویب کرد. در این چند ماده که بطور مسلم روی نفاق، نیراستی، رژیسم مدعی میشود که از طریق بنیاد مسکن باید برای کسانی که در شهر و روستا فاقد مسکن هستند، خانه بسازد و دولت موظف است که برای این خانه‌ها آب برق، راه، مدرسه، درمانگاه و نیازهای عمومی را تأمین نماید. از کارهای مشحک مجلس ارتجاع یکی هم تصویب این قبیل اساسنامه‌ها و طرح‌هاست. وقتی شهروندان کنونی بسیاری از شهرها فاقد مسکن هستند، رژیم می‌خواهد برای روستائیان هم "خانه" بسازد. رژیم در تاریخ ۶۶/۷/۹ هم طرحی تصویب کرد که برای کارمندان خانه بسازد، در حالیکه این طرح نیز روی کاغذ ماند ولی مامورین شهرداری با کمک مزدوران کمیته و مامورین پلیس اهالی سابق یکی از کوچه‌های تهران را که در ساختمان شهرداری در خیابان ایران‌شیر مستقر بودند، با تمام وسایل اخراج نمود. در صورت تأمین آب و برق توسط دولت هم بهتر است به سخنان علوی نماینده ارتجاع از کرگان توجه کنیم. او در تاریخ ۶۶/۶/۲۱ در مجلس ارتجاع گفت: " ساله نبودن آب آشامیدنی در گرگان را در سخنان قبل از دستور و با از طرفی ریاست مجلس بارها متذکر شده‌ام، در ملاقاتهایی هم که با رئیس جمهور و نخست وزیر داشتم نیز عرض کرده‌ام " وقتی یکی از مزدوران رژیم اینگونه رژیم را افشاء می‌کند معلوم است که واقعیت چقدر اسفناک‌تر از اینست.

کوجانان اجباری مردم روستای تابع سردشت رژیم ضد انقلابی خمینی بار دیگر در تداوم فشار و تضيقات علیه خلق ستم دیده کرد در آستانه فرا رسیدن فصل سرما در صدد تشدید اجرای توطئه کوجانان و آواره کردن مردم روستاهای اطراف شهر سردشت است. طبق اخبار واصله مزدوران رژیم تا کنون به روستائیان منطقه "سولابیتی" سردشت ابلاغ نموده‌اند که در اسرع وقت روستاهای خود را تخلیه کرده و به نواحی دیگر بروند و همچنین روز پنجم آبانماه روستاهای "هرزی"، "خوارمیر"، "دولان"، "تیت علیا"، "تیت سفلی"، "سردان"، "زنگلیان"، "هلکان"، "زردگانی علیا"، "زردگانی سفلی" که اهالی آن بر اثر جنگ ایران و عراق آواره شده‌اند را به آتش کشیده‌اند بیرون راندن روستا نشینان کردستان از روستاهای خود ناکنکبی است که رژیم خمینی چندین سال است جهت فشار بر مردم کردستان برای قطع پیوندشان با پیشمرگان اتخاذ نموده است و برای پیشبرد این توطئه ضد انسانی تا کنون دهها روستای کردستان

را به تلی از خاک تبدیل کرده است، اما با مقاومت و همکاری هر چه محکمتر مردم با پیشمرگان، این توطئه به شکست انجامیده است و رژیم خمینی آرزوی قطع پیوند میان خلق و پیشمرگه را یقینا بگور خواهد برد. زیرا پیشمرگان کردستان سناقی جدا از خلق خود ندارند.

مزدوران خمینی می‌توانند روستاهای کردستان را با توپ و خمپاره با خاک یکسان کنند، می‌توانند اموال مردم را غارت یا به آتش کشند، می‌توانند مردان و زنان زحمتکش کرد را همچون هزاران ایرانی دیگر به صلابه کشند، به رگبار ببندند و قتل عام نمایند، اما هرگز نخواهند توانست مردم آزادیخواه این منطقه را به تسلیم وادارند و خلق قهرمان کرد هرگز و تحت هیچ شرایطی در برابر رژیمهای ضد خلقی و ارتجاعی تسلیم نکرده و نخواهد گورد. بیگمان پیشمرگان کردستان این فشارها و جناسات را همچون گذشته بی پاسخ نخواهد گذاشت.

روزنامه کویتی الوطن در گزارشی ابراز میدارد که یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین گفته است که اگر دولت کویت بخواد، وی نیروهای فلسطینی را به کویت خواهد فرستاد تا این کشور را در برابر تهدیدهای نظامی ایران یاری دهد.

## عملیات پیروزمندان ارتش آزادیبخش ملی ایران

به گزارش مدای مجاهد، رزمندگان قهرمان ارتش آزادیبخش ملی ایران از فرماندهی منطقه کرمانشاه در روز ۲ آذر ماه با یورش به قلب نیروهای زیسون خمینی موفق گردیدند یک گردان کامل سپاه ضد خلقی و ۲ گردان ارتش خمینی را در هم بکوبند و با اهدام مواضع دفاعی دشمن تعداد ۱۵۸ کشته و ۹۰ نفر مجروح و ۲۷ تن اسیر بر دشمن ضد بشری تحمیل نمایند. در جریان این نبرد دلاورانه که زنان قهرمان مجاهد خلق ارتش آزادیبخش ملی در آتشبار سنگین شرکت فعال داشتند، تعداد ۴ تانک متهدم و یک تانک با مقادیر انبوهی تسلیحات و تجهیزات جنگی غنیمت گرفته شد.

در تاریخ ۱۱ آذرماه یک تیب رزمی ارتش آزادیبخش ملی از فرماندهی جدیدالتاسیس جنوب خوزستان با نفوذ به مواضع دشمن در منطقه کوسک ضمن اهدام سنگرهای دفاعی و استحکامات آن توانستند ۸۰ کشته و ۱۲۰ تن مجروح از دشمن ضد خلقی را بر جای گذاشته و تعداد ۳۲ نفر را به اسارت خود در آورند. در این عملیات قهرمانانه انبوهی از مهمات و تجهیزات نظامی به غنیمت ارتش آزادیبخش ملی در آمد. بنسایت این پیروزی که از نظر موقعیت منطقه بسیار حائز اهمیت است، مسعود رجوی فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی طی پیامی این پیروزی عظیم را به مهدی افتخاری فرمانده نیروهای ارتش آزادیبخش ملی در جنوب خوزستان تبریک گفت.



## تحریم تسلیحاتی یا ...

از صفحه ۱

و بر منفعت ایران به آمریکا که حجم آن یک پانزدهم کل صادرات نفتی رژیم خمینی و در مقاطعی ۱۱٪ واردات نفت خام این کشور را تشکیل می‌دهد است، اکنون تنها پس از طی تشریفات اداری می‌تواند به بازارها سرازیر شود و عملاً هیچ مانعی سر راه داد و ستد نفت میان رژیم خمینی و کارتل‌های نفتی گذاشته نشده است. اعلام ممنوعیت صدور ۱۴ قلم تجهیزات نظامی با وسائلی که می‌توانند به خدمت جنگی درآیند نیز همین روند را طی می‌نماید. از هنگام شروع جنگ تا کنون امپریالیسم آمریکا مکرراً تأکید کرده است که هیچ نوع سلاحی به جمهوری اسلامی نمی‌فروشد و این ادعائی است که با اندکی توجه به زیرساخت ارتش به ارث مانده‌ی شاه و همچنین سپاه پاسداران خمینی، دروغ بودن آن مشخص می‌شود. بیشترین آمار و ارقام فروش اسلحه در مجموع و در فواصل سالهای ۷۱ تا ۷۹ میلادی به رژیم شاه اختصاص داشته و کلیه این خریدها در خدمت تجهیز و پایه گذاری ارتشی درآمده که وظیفه‌ی آن حفاظت از منافع امپریالیسم در منطقه بوده و بالطبع سازمان، ارگانیزم و همچنین بافت نظامی این ارتش دقیقاً بر اساس چنین روندی تنظیم و شکل گرفته است. این ارتش با مختصری تغییرات در رده‌های بالای آن امریکای نظر از پرسنل انقلابی) به خدمت رژیم خمینی درآمده و بلافاصله در جهت سرکوب خلق و همچنین جنگ خارجی بکار گرفته شده و تا بحال ۷ سال است که به انجام وظیفه می‌شغول می‌باشد. از طرف دیگر سپاه پاسداران خمینی نیز با به عاریت گرفتن بخشی از امکانات ارتش، البته در فازی بالاتر به همین امر اشتغال دارد. با توجه به این فاکت‌ها براساسی فقط يك كند ذهن می‌تواند تحریم تسلیحاتی رژیم خمینی را باور کند. افشای سفر تسلیحاتی - تجارتي ملك فارلن به ایران تنها نمونه‌ای کوچک از روابط یخت پرده‌ای است که سیل عظیم اسلحه را بسوی رژیم خمینی سرازیر نموده و به ماشین جنگی رژیم این امکان را می‌دهد که نه تنها قادر به ادامه‌ی جنگ برای مدتی نه چند آن کوتاه باشد بلکه به سلاحهای مدرنی همچون موشکهای هاک، تانک و استتیکر نیز مجهز شود.

اعلام منع صدور ۱۴ قلم تجهیزات بخودی خود بسیار ادعاهای چند ساله آمریکا مبنی بر عدم صدور هرگونه وسائل نظامی به طرفین درگیر در جنگ نیز ممانعت دارد چرا که خوبی مشخص است حداقل تا زمان تصمیم ممنوعیت صدور این وسایل، ارسال آنها بطور عادی و در چهارچوب روابط بازرگانی جریان داشته و فقط اکنون که امپریالیسم در جهت حفظ منافع عمومی خود، تصمیم به تادیب رژیم خمینی گرفته است، ارسال آنها را متوقف می‌کند. نگاه‌های کوتاه به فهرست این اقلام که انواع قایقها، موتورهای آبی، وسایل بدکی هواپیماها، وسایل رزمز و تجهیزات هدایت صوتی، عکس برداری زیر آبی و مخابرات سیار را شامل میشود، بدون هیچ تفسیری بیان‌کننده ماهیت تحریمی ست که پیش از این عنوان شده و نیز معیار محکمی برای ارزیابی تحریم

جدید محسوب میشود.

صرف نظر از مسائلی که در حول و هوش این اقدام وجود دارد و بدانجا پرداخته شد، نکته دیگری که نمی‌توان در تحلیل تحریم اعمال شده از سوی امپریالیسم آمریکا، آنرا نادیده گرفت، مناسبات حاکم بر ساختار اقتصادی آن است و اینکه اساساً این ساختار ظرفیت چنین حرکتی را دارد یا خیر؟ روابط مسلط بر شئون اقتصادی امپریالیسم جهانی شکل گرفته از تمرکز فوق العاده شدید در رشته صنایع مختلف می‌باشد به نحوی که بخش‌های مجزا اما در عین حال به هم پیوسته‌ای بوجود می‌آیند که کلیه امور مربوط به بخش خود را در دست و بر کلیه قوانین و مقرراتی که ناظر بر مناسبات آنها باشد، مانند وضع مالیات، تجارت خارجی و حتی نرخ برابری ارز نظارت دارند. این تمرکز در عین حالی که بصورت بالقوه پدیده آمدن دولتهای قوی را ایجاد می‌کند اما بدلیل تنوع رشته‌های صنعتی و تکنولوژیک و انحصارات حاکم بر آنها عملاً به چنین امکانی نمی‌برد. دولت در چنین ساختاری تنها ابزار بخشی از قدرتمندان محسوب میشود و ارگانهای دیگری مانند کنگره و سنا در آمریکا، نقش تعدیل‌کننده و چوب موازنه بین بخش در قدرت و اپوزیسیون را بازی می‌کنند. بنابر این با وجود منافع بهم پیوسته انحصارات، کنترل بازرگانی خارجی از جانب دولت تنها در شرایط اضطراری و در زمانی که کلیت این منافع به مخاطره درآید، می‌تواند عمینت پیدا کند و گویا وضع قوانین محدود کننده در عین تصمیم آزادی بازرگانی خارجی میان کارتل‌ها و تراست‌ها شوخی بی جایی بیش نخواهد بود. از سوی دیگر امپریالیستهای اروپایی و ژاپنی نیز فعال تصمیمات دولت ریگان موضع مخالف اتخاذ کرده و اعتقاد داشته‌اند که در تحریم اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی شرکت نمی‌کنند. آیا این بدان معناست که آنان از منافع بیشتری نسبت به آمریکا در رابطه‌ی تجاری با رژیم خمینی بهره‌مند میشوند؟ و آیا چنین موضعی را میشود تضاد منافع نامید؟ به گمان ما پاسخ هر دو سوال منفی است. نظام سرمایه‌داری پس از انباشت اولیه‌ی ثروت و تراکم آن به مرحله‌ی انحصار رسیده و بالاترین حد رشد خود یعنی امپریالیسم گام نهاد. در این شرایط سرمایه از حالت صرفاً بومی خود خارج شده و حمله بین المللی می‌گیرد. بدین معنی که با گرد همایی صاحبان عمده صنایع در رشته‌های مختلف، صرفنظر از ملیت و تنها به اعتبار سرمایه‌ی صنعتی و مالی مجامعی تشکیل می‌گردد که وظیفه و هدف آن در درجه اول از میان بردن رقابت و تمرکز نرخ گذاری و سپس پی ریزی روشهای سود دهی بیشتر است و دقیقاً تعیین نکته‌ی آخر علت - العمل بسیاری از کودتاها، جنگها، کشتارها و ... است که برخی سیاستهای این مجامع را در عرصه‌ی خارجی (خارج از چهارچوب امپریالیسم) تشکیل می‌دهد، در بعد روابط خارجی تدوین قوانین که به گسترده شدن دایره‌ی عمل آنان در همه‌ی ابعاد بیانجامد. هدف اساسی می‌باشد. بنابر این همانطور که نمیتوان از کارتل نفتی هفت خواهران نام برد و تنها یکی از عناصر متشکله‌ی آن بعنوان مثال شرکت اگرا را در مد نظر داشت به همین نحو جدا

کردن منافع امپریالیستهای اروپایی و ژاپنی از امپریالیسم آمریکا نیز امکان‌ناپذیر است. آنچه که در رابطه با تحریم رژیم خمینی روی داده، تنها تقسیم‌کاریست که در عرصه‌ی بین المللی میان قطب‌های امپریالیستی انجام گردیده است. بدین معنا که آمریکا همزمان با تشدید حضور نظامی خود در خلیج و بدنبال گل آلود کردن آبهای منطقه توسط رژیم خمینی که با تهدیدات نظامی علیه کشورهای کوچک حاشیه‌ی خلیج فارس آغاز شد، نیازمند دستاویزهایی است که لشکر کشی خود را در پناه آنها توجیه و به بزرگ‌نمایی خطر رژیم خمینی و نقش فداکارانه‌ی خویشتن در سه‌گرم آن بپردازد.

حمله به کشتی "ایران اجر" قایقهای سپاه پاسداران خمینی و در آخر سرکوی نفتی "رشادت" بر اساس چنین سیاستی انجام گرفته است. اهمیت اقداماتی از این دست و همچنین تحریم جمهوری اسلامی برای امپریالیسم آمریکا زمانی دو چندان میشود که در نظر داشته باشیم قطعنامه ده ماده‌ای ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد راجع به جنگ ایران و عراق، عملاً با حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و اقدامات بین المللی علیه ادامه دهنده‌ی جنگ مطروحه در قطعنامه‌ی فوق‌الذکر به ترک‌تاری امپریالیسم محدود گردیده است و اکنون آنچه که باقی می‌ماند تنها کشاکشی است که باید به ادامه‌ی اشغال غیر مستقیم خلیج فارس توسط امپریالیسم آمریکا بیانجامد. تحریم رژیم خمینی در حقیقت تأکیدی است بر آنچه که آمریکا با زیر پا گذاشتن قطعنامه ۵۹۸ به تنهایی انجام داده است و نقشی که در سیاست جهانی و معادلات بین المللی بازی میکند، تنها بخشین اعتبار به پرستیژی است که در زیر لوای بدوش کشیدن بار بقیه، به دست اندازی و لگد مال کردن حقوق خلقهای منطقه عبادت ورزیده است. راه دستیابی به صلح نه در این یا آن قطعنامه بلکه در سرنگونی رژیم خمینی بمثابه طرف سود برنده از جنگ، نهفته است. اما اقداماتی نظیر قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در محدود کردن دایره‌ی جنگ افزوی این رژیم میتواند تاثیر داشته باشد.

## اخبار...

از صفحه ۱۱

اعتصاب کرده و سر کلاسهای درس حاضر نمی‌شوند. و همچنین به گزارش رادیو اسرائیل در تاریخ ۱۲ دسامبر در شهرهای الریف، خان بونس و نغزه تظاهراتی بعمل آمده است. مردم مناطق اشغالی خواستار خروج اسرائیلیها از سرزمینهای شان هستند و سلباست که در این مورد مبارزه میکنند. بنا به گزارشات خبرگزاریها این آزارها روز بروز بیشتر شده و هر روز تعداد بیشتری از مردم فلسطین بدست ارتش اسرائیل به قتل میرسند. بازر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، دولت اسرائیل را متهم به دامن زدن به این قتل و عام‌ها کرده و مسئولیت عواقب آنرا بعهده دولت اسرائیل دانست.



## کودکان در رژیم خمینی

مرکز مطالعه در باره جنگ و کودکان ، گزارشی در مورد نقش کودکان در جنگ ایران و عراق منتشر کرده است . در این گزارش به فرستادن اجباری کودکان به جبهه‌های جنگ و استفاده از آنها بعنوان خنثی کننده انسانی چاشنی مینها و همچنین کشته شدن آنها برای صاف کردن راه سربازان و پاسداران اشاره شده است .

در بخشی از این گزارش آمده است : "سرنوشت کودکان ایرانی شاید غم انگیزترین و در عین حال ناشناخته‌ترین عامل در آگاهی عمومی از این جنگ بیرحمانه است . تحت فشار رهبری آیت الله خمینی بزرگ‌بندگان انقلابی "ایران به تخطی شدید از موازین حقوق بشر علیه کودکان کشور اقدام ورزیده‌اند و تصمیم سربازگیری کودکان که بخش عمده‌ای از نیروهای بسیج را تشکیل می‌دهند در بالاترین سطوح دولتی و نظامی جمهوری اسلامی اخذ میشود . سربازگیری کودکان برای جنگ آیت الله با شیوه‌های مختلف انجام میشود . از جمله استفاده از کامیونهای مجهز به بلندگوهاست که با صدای بلند در فقیرترین بخشهای جمعیت ایران در خیابانها حرکت کرده و از کودکان می‌خواهند که داوطلب خدمت سربازی شوند . بمباران روانی رادیو و تلویزیونی بنا توصل به احساسات وطن پرستی و باورهای مذهبی انجام میشود . به والدین آنها قول می‌دهند که اگر پسرانشان کشته شوند به آنها جیره خواروبیمار بیشتری می‌دهند ، پول میدهند و روی کارتهای شناسایی آنان خطی اضافه میشود که نشان می‌دهد شهید داده‌اند .

کودکان با شنشوی مغزی شدید تمرین تاقص یک با دو ماهه نظامی و مقادیر زیادی حواله شادی در آخرت روانه اردوگاه میشوند . در حالیکه تمرین مرگ بافته‌اند و بهرکدام سرسندی با شعار مذهبی ، یک کت خاکی رنگ سربازی که روی آن اجازه امام خمینی برای ورود به بهشت نقش شده داده میشود و کلیدی با زنجیری به گردنشان می‌آویزند که ورودشان را به بهشت تضمین میکند . به این ترتیب استوارنامه

کودکان برای مرگ کامل است . کودکان شربست شهادت که ظاهرا مخلوطی از آب و شکر است می‌نوشانند که با آنان جرات لازم برای خدمت به عنوان خنثی کننده انسانی چاشنی مینها در زمینهای مین گذاری شده عراقیها را می‌دهد . به آنان گفته شده به یک جنگ مقدس میروند . در میان کشته شدگان در حملات تهاجمی ایران بسیاری کودکان دبستانی ایرانند که غالبا بدون آنکه بدانند که روی سربازان عراقی قرار خواهند گرفت فقط با یک چوب دستی برای بافتن و خنثی کردن مینها روانه خط مقدم جبهه شدند . ۲۰۰ تخمین زده شده که برای هر کودک ایرانی که اسیر میشود ۹۹ کودک دیگر ایرانی در صحنه نبرد ایران و عراق جان می‌سپارند . دولت جمهوری اسلامی ایران بطور کلی علاقه کمی نسبت به سرنوشت و یا بازگشت این کودکان نشان داده است . در سال ۱۹۸۳ کمیته فرعی حقوق بشر سازمان ملل متحد از ایران بعنوان کشوری نام می‌برد که کودکان را سربازگیری کرده و از آنان در حملات انسانی استفاده می‌کند . در همان سال اتحادیه بین المللی حقوق بشر تخمین زد که بیش از ۵۰ هزار کودک ایرانی بین سنین ۱۲ تا ۱۵ در جنگ ایران و عراق جان باختند و در اوائل سال جاری شبکه خبری تلویزیونی سی بی سی . اس گزارش داد که از میان ۵۵ هزار نیروهای ایرانی که طی حمله تهاجمی ایران به حوالی بصره کشته شدند بسیاری پسران جوان ۱۲ و ۱۵ ساله بودند . در گزارش نوشته شده است که رهبران سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران آشکارا مفاد کنوانسیون ژنو و بیانیه سازمان ملل متحده در باره حقوق کودک و موازین جهانی اصول اخلاقی و انسانی رفتار با کودکان را نادیده گرفته‌اند . در گزارش آمده است گرچه در حال حاضر تعداد کودکان خردسال کمتر و تعداد نوجوانان ایرانی که به سربازی میروند بیشتر است ولی هشدار داده شده است که کمبود نورات در جبهه جنگ ممکن است ایران را بار دیگر به سربازگیری کودکان برای حملات تهاجمی آینده متنگی سازد .

در برابر تاریخ سرفراز گشتیم .

در این دوره ۲۵ نفر از پیشمرگان سازمان جوان باختند . اما دیری نگذشت که خط سکناریستی درون اقلیت با اقدام شبه کودتایی بر سازمان حاکم گشت و از آن به بعد ما بعنوان تنها جریان اصولی مستقلا اقدام به بازسازی تشکیلات و از جمله تشکیلات پیشمرگه فدایی نمودیم و تا کنون با آنچه در سوان داشته‌ایم در مبارزه مسلحانه خلق کرد شرکت کرده‌ایم و هرگاه موافقی که بر سر راه ما قرار دارند برطرف کرده هر روز شاهد گسترش عملیاتهای پیشمرگان فدایی خواهیم بود .

ما روز پیشمرگه کردستان را گرامی می‌داریم و فرا رسیدن آن را به تمامی پیشمرگان خلق کرد تبریک می‌گوییم .



## تلاشهای مذبحخانه رژیم ۰۰۰

از صفحه ۳

پتانسیلی خواهد بود که می‌تواند در جهت جنبش انقلابی مسلحانه کاتالیزور شود . این دیگر يك امر روشنی است که رژیم خمینی در بحرانهای بدون درمانی گیر کرده که در صورت تمرکز نیرو علیه نیروهای سرکوبگر و جنگ افروزش قادر به ادامه حیات نخواهد بود . در شرایطی که همه پارامترهای عینی و اقتصادی برای سرنگونی رژیم فراهم است ، در شرایطی که تمامی راه حل های فرمیستی ، لیبرال-لیستی و محافظه کارانه شکست خورده است ، در شرایطی که مساله آینده ایران بستگی به این امر پیدا کرده که چه نیرویی تعادل قوای موجود را بهم خواهد زد ، مساله نیرو به مساله اصلی جنبش انقلابی ایران تبدیل شده است . اکنون بخصوص با عملیات درخشان نیروهای مقاومت در جبهه پیرانشهر عین خوش ، مهران و خسروی و پیروزیهای بزرگ آن باید با گامهای استوارتری پیش رفت . اگر مقاومت انقلابی نتواند به اندازه کافی نیرو سازمان دهد ، هرگز قادر نیست حجم آتش را بیش از حد معینسی افزایش دهد .

جنگ انقلابی ، يك علم است و از نظر قوانین این جنگ ، که همواره عنصر شور ، ایمان و خستگی ناپذیری در آن عمل میکند ، يك رابطه مستقیم بین نیرو و حجم آتش وجود خواهد داشت . بنابر این باید به مساله نیرو با تمام ابعاد آن بطور عمیق اندیشید ، بخصوص که تمامی دوران مبارزه مسلحانه علیه رژیم خمینی ، بخوبی روشن کرده است که نیروی يك سازمان هر چند این نیرو عمیقا انقلابی پرشور و با ایمان باشد ، قادر به درهم ریختن سیستم اختناق آفرین رژیم نیست . اگر به این واقعیت بطور عمیق توجه شود و اگر قبول کنیم که نیرو در مقیاس انبوه در میان توده‌هاست که از جنگ و سرکوب بجان آمده‌اند ، قادر خواهیم بود راههای جذب این نیرو را نیز کشف کنیم .

این يك امر مسلم است که رژیم خمینی تحت هیچ شرایطی بیک رژیم تثبیت شده تبدیل نخواهد شد . جوهر و ذات این رژیم ، بخصوص با وجود شخص خمینی ، غیر قابل تثبیت و فرم پذیری است . بحران ذاتی این رژیم است . بنابر این اگر در این مرحله نیز جنبش انقلابی نتواند بر مساله اساسی اش ، یعنی مساله نیرو غلبه کند ، با وجود نیروهای رزمنده و انقلابی و با وجود رهبری هشیار و جدی مقاومت جنبش شکست نخورده و رژیم تثبیت نخواهد شد ، بلکه این پروسه طولانی تر و پر درد رنجتر خواهد شد . آینده محتوم رژیم خمینی ، سرنگونی و نابودی است . باید با تمام ذرات انقلابی ، تمامی نیروهای که قادرند حجم آتش را افزایش دهند متمرکز نمود و بر محور این اصل اساسی ، از تمامی امکانات و حرکاتی که علیه رژیم خمینی صورت می‌گیرد حمایت نمود . در يك کلام ، چشم انداز قیام مسلحانه توده‌ای برای سرنگونی رژیم خمینی ، بشرطی نزدیک میشود که جنبش مقاومت مسلحانه ، نیروهای اجتماعی را جذب کند . در چنین حالتی است که اعتدالی مقاومت مسلحانه بدون هرگونه افت بسمت قیام مسلحانه توده‌ای با سرعت تداوم خواهد یافت .



## ورشکستگان به تقصیر

رفیق مهدی سامع

وجود مهدی سامع در سازمان، حاضر به ادامه کار نبود و در آخرین سرحالی که کار رسوایی مهدی سامع در زمینه‌های مختلف، سیاسی، تشکیلاتی، ایدئولوژیک، خصلتی ۰۰۰ به اکتاف عالم رسید، آنوقت دست رفیق گزارشگر کبیر تارک سازمان باز بود، اقدامی با تکیه بر نیروهای فداکار سازمان باز بود، به خود جرات داد تا "نصف کمیته مرکزی" را تصفیه کند. (نوع تصفیه و شیوه شد اساسنامه و شد تشکیلاتی و اندبیدوآلیستی تصفیه جای بحث خود را دارد) بعد از اینکه دیگر هیچکدام از نیروهای سازمان حاضر نبودند وجود سامع را در تشکیلات تحمل کنند، رفیق ما "یک تنه" کار مهدی سامع را به اسم خود در تشکیلات ثبت نمود. شگفتا از اینهمه نوا موزی و نقد گذشته و تغییر "سبک کار" گذشته! امثال سامع و دارودسته‌اش که کاری جز اسقاط اعتبار سازمان ندارند، مادام که مورد حمایتند، صدها رزمنده پاکباز قربانی میشوند، اما بمحض اینکه چنین موجوداتی تحت فشار نیروهای انقلابی منزوی و طرد میشوند، ادعاها در "تصفیه صفوف سازمان و شفافیت بخشیدن به تئوری ۱۰۰۰ طوماری" درازای ایند میشود. ("سوسیالیسم" ارگان "هسته" باند تبهکار - شماره ۳)

وقتی جماعتداران باند تبهکار ادا و اطوارهای "توده" های تشکیلاتی را در میآورند، واقعا صحنه

۶۲ تا آخر سال ۶۵ داشتند، اکنون از اینکه نوکسل "با سقوط به سردابه تار عنکبوت بسته یک محفل تنگ، در گزارش خود ایفاگر نقش (دن کیشوت) ی است که یک تنه به میدان آمده و به "عناصر رنگارنگ بورژوازی" اعلام جنگ میدهد" (۱) "تا زمینه‌ای گردند برای پهلوان نمایی دن کیشوت وارث و بعد - عنوان دستاوردهای طلایی دفتر توهماتش ثبت شوند" (۲) ابراز دلخوری می‌کنند و می‌گویند این گزارش "کمکی به رفیق ما نمی‌نماید تا بتواند مال التجاره کشتی در حال غرق خود را بر تخته پاره‌های کمیته اجرایی و کنفرانس آن به ساحل نجاتی رهنمون شود" (۳).

اگر کسی نداند که گردانندگان اصلی ایمن "هسته" از سینه‌چاکان فالانژ صفت توکل بوده‌اند، خیال میکند واقعا اینان "توده" تشکیلات بوده‌اند و اکنون چشمانشان باز شده است و دیگر نمی‌خواهند نقش جماعتدار و تفنگچی باند تبهکار را بعهده بگیرند. ولی دم خروسی از ایلابی مطالب نوشته شده در مقاله "ملاحظاتی ۰۰۰" خوب پیداست و معلوم میشود که اینان نیز در همان راهی هستند که سرکردگان باند تبهکار اقلیت بودند. حقیقا جای

سال گذشته، هنگامی که باند تبهکار اقلیت در همکاری کامل با محافل ارتجاعی و امپریالیستی و نهادهای امنیتی غرب علیه اقامت مسئول شورای ملی مقاومت در فرانسه توطئه گری می‌کرد ما همه تمام کسانی که بدنبال سرکردگان این باند تبهکار بودند، هشدار دادیم، پس از انتقال محل اقامت مسئول شورا از پاریس به عراق، سران باند تبهکار و ایادی آنان، که امروز هر یک بنحو مضحکی سعی میکنند این لکه ننگ را از دامن خود پاک کنند، به شکل بسیار تنفر انگیزی خوشحالی می‌کردند و خیال می‌کردند که مجاهدین و شورا را نابود کرده‌اند. اساسا دیری نپایید که در مقابل گسترش مقاومت مسلحانه انقلابی، باند تبهکار به اجزا خود تجزیه و تکه پاره شد. تضاد دیرپای توکل و حسین زهری، سر باز کرد و توکل مجبور شد لب فروبندد و در گوشه اروپا با چند عنصر تبهکار دیگر به تشکیل "کنفرانس" و "هیئت اجرایی" بپردازد و حسین زهری به سفیل "شریف" مافیایی ادامه دهد و با تاکتیک سفارت گیری، خود را پیش "مقامات مربوطه" صاحب دم و دستگاه نشان دهد. اما مصلحت تر از این دو باند

امثال توکل در آستانه کودتا علیه خط اصولی ایمن می‌کردند که "توده‌های" میلیونی را رهبری می‌کنند، و مجاهدین و شورا متلاشی شده‌اند. اکنون که باند تبهکار به اجزا خود تقسیم شده و سرنوشت "هسته" هم تبدیل شدن به "دانه" است، آشکار است که چه کسی متلاشی شد و چه کسی رشد نمود، اگر گردانندگان "هسته" حداقل شرافت یک انسان معمولی را هم می‌داشتند، حداقل به این واقعیت اعتراف می‌کردند که این باند تبهکار بود که متلاشی شد و این نیروهای مقاومت انقلابی وابسته به مجاهدین و شورا هستند که روز به روز گسترش می‌یابند و تقویت میشوند.

مضحکین را به نمایش می‌گذارند. کسانی که دیروز با عریبه کشی و جماعتداری می‌گفتند "حزب فقط توکل" و "تا خون در رگ ماست، توکل رهبر ماست" امروز ظاهرا در نقد سرکردگان باند تبهکار، با لجن پراکنی، تمامی اندرون متعفن خود را بالا آورده و بجای تصفیه حساب، گذشته ننگین شان، در لجنساز گذشته سیر و سیاحت می‌کنند. راستی سرنوشت باند تبهکار عبرت انگیز است و اگر در هر حادثه‌ای که این جریان باز هم به اجزا خود تقسیم میشود، نکاتی را یادآوری کنیم، باز هم کم گفته‌ایم. چرا که فقط اقدامات جنایتکارانه و ارتجاعی سران باند تبهکار اقلیت ضربه به جنبش انقلابی زده است، بلکه از آن مهمتر وقاحت و دردیگی بی حد و مرز وارثان توکل ها و زهری هاست که آن خیانت ها را تکمیل می‌کنند.

بدین لحاظ تذکر نکاتی در رابطه با اظهارات عوامفریبانه و پر تناقض این "هسته" لازم است:

۱. علت اصلی تمامی مسائلی که اقلیت بسندان مبتلا بود و آنرا تا حد یک باند تبهکار سقوط داد، گریز از خط اصلی تکامل اجتماعی و انقلاب و نیز نداشتن خط و برنامه برای انقلاب و دخالت در مبارزه طبقاتی بود. امثال توکل در آستانه کودتا علیه خط اصولی ایمن می‌کردند که "توده‌های" میلیونی را رهبری می‌کنند، و مجاهدین و شورا متلاشی شده‌اند. زیرنویس: ۲ و ۳ و ۴. سوسیالیسم شماره ۳. مهر ۶۶، ملاحظاتی بر یک گزارش

بسی تاسف است که چهار سال پس از کودتای بانس توکل - زهری علیه خط اصولی، کسانی پیدا شوند و در کمال حماقت و با نادیده گرفتن تمامی فجایعی که پس از این اقدام ارتجاعی اتفاق افتاد، باز هم به لجن پراکنی علیه خط اصولی بپردازند.

به این قسمت از نوشته "هسته" باند تبهکار توجه کنید:

"در ادامه مطلب با درز گرفتن لیبرال منضی خود (منظور توکل است)، با غف و انعامش بر یسار قدیمی خود، آقای سامع در حاتم بخشی های ایدئولوژیک - سیاسی، دست حضرت را تا آنجا باز می‌گذارد که در حضور گزارشگر کار سازماندهی تشکیلات فدایی متعلق به مجاهدین رجسوی در تشکیلات کردستان سازمان، توسط سامع تکمیل شود، درست در او ان همین شکل گیری سازمان فدایی مجاهدین، که گزارش اعلام می‌دارد: سازمان "میتواند گام های جدی به پیش بردارد و فعالانسه در مبارزه سیاسی مداخله نماید ۰۰۰۰"، مهدی سامع، در مقابل چشمان گزارشگر یک سازمان فدایی برای رجوی تدارک دید و در راه نیل به این مقصود تمامی معترضین خود را بشکلی سیمانه سرکوب نمود و با تکیه بر اهرم کمیته مرکزی و با این دعوی: "من نصف کمیته مرکزی هستم" دست به تدارک و بسیج مثنی تفنگچی برای مقابله با سازمان زد و تا آخرین روزی که دیگر حتی یک نیروی تشکیلاتی با

سرنوشت تفنگ چی ها و چماق داران باند تبهکار است. اینان که دیروز در کشتار درونی در روستای کاپیلون شرکت داشتند و از قضا از فعالین نظامی در آن کشتار ناجیه بار بودند، امروز می‌خواهند ادا و اطوار "توده‌های" تشکیلاتی را درآورند و مدعی شوند که هر چه پیش آمده گناه "رهبران" بوده است. این جماعت ورشکسته که خود را "هسته" اقلیت می‌نامد، برای پنهان کردن دستان خون آلود خود و جنایت هایی که مرتکب شده‌اند، شیوه سه اصطلاح "انتقاد" از "رهبران" را پیش گرفته‌اند و با عوامفریبی می‌خواهند خود را میرا از سیاست های ضد کمونیستی، ضد کارگری و ضد مردمی، "پدر خوانده" هایشان نشان دهند و بنا بر این هر چند وقت یکبار نشریه‌ای بنام "سوسیالیسم" منتشر میکنند و فکر می‌کنند اگر نام نشریه خود را "سوسیالیسم" قرار دهند، سرد خیانت ها و جنایت های آنان را فراموش خواهند کرد. در شماره ۴ این نشریه مطلبی تحت عنوان "ملاحظاتی بر یک گزارش" که ظاهرا در نقد گزارش توکل در کار شماره ۲۱۱ است، چاپ شده است. نویسندگان "ملاحظاتی بر یک گزارش" که اکنون "هسته" باند تبهکار اقلیت را تشکیل می‌دهند. در گذشته از تفنگچی های حاضر بر اوق باند کامیابی (توکل) - زهری (بهرام) بودند و بعضی از آنان نقش مهمی در جماعتداریهای این باند از آستانه کودتا علیه خط اصولی در بهار سال



## ورثکستگان به تقصیر

رفیق مهدی سامع

متوسل میشود و آن اینست که گویا من معتزلیسم را "شکلی سبعانه سرکوب" کرده‌ام. این دروغ آشکار که معلوم نیست در کجا می‌خواهند مصرف کنند، برای لاپوشانی کردن منتهای قساوت و بیرحمی افرادی از همین "هسته" اقلیت است.

لازم به تذکر است که علیرغم اقدامات فحشه تشکیلاتی و باندهای بی حد "طرفداران" توکل در درون شاخه کردستان، تا آنموقع که من مسئولیت این شاخه را داشتم، از دماغ یک نفر هم خونسی ریخته نشد مگر در مبارزه رودر رو با رژیم ارتجاعی خمینی. در حالیکه پس از آن تصفیه کذایی، موارد متعددی از تصفیه خشن، قتل درونی، خودکشی اعدام و فاجعه گاپیلون اتفاق افتاده که مواردی از آن افشاء شده و مواردی دیگر مسلماً در آینده افشاء خواهد شد. نکته مهم اینست که افرادی از جماعت "هسته" در تمامی این حوادث ناگوار و جنایت بار نقش فعال داشته و هنوز هم اگر "آب" پیدا کنند "شناگر" ماهری هستند.

ش.لجن پراکنی های "هسته" باند اقلیت نمیتواند این حقیقت را کتمان کند که پس از چهار سال باند کامیابی - زهری آنچنان متلاشی شده‌اند که پادوهای "هسته" نشین آنان هم مجبورند از آنان تبری جویند و در مقابل ما استوار و سرسخت بر سر مواضعمان ایستادگی نمودیم و تحت هیچ فشار و شانتازی نیز از اصول نظری و عملی مان عقب

"انتقاد از توکل" مطالبی نوشته شده که اولین بار چهار سال قبل ما آنرا از زبان نشریه "میانها" که از کانال تبسار شاهنشاهی مدنی جنایتکار تصفیه میشد، شنیدیم. در این مورد هم نویسنده گمان "سوسیالیسم" چهار سال از نشریه پرورز وایسی "ایران‌شیر" که در همان موقع ما را "سازمان فدایی مجاهدین" نامید عقب ترند. منتها "هسته" از لحاظ چمافداری دست بالا را دارد، چرا که به توکل انتقاد می‌کنند که چرا اجازه داده است برای مدتی در "حضور" او، افراد معتقد به خط و برنامه اصولی وجود داشته باشند. حتماً اگر جماعت "هسته" در همان موقع حاکم بود، به شیوه "دمکراتیک" از نوع فاجعه گاپیلون، همه معتقدان به خط و برنامه اصولی را یکجا به رگبار می‌بست. به همانگونه که در ماجرای گاپیلون مخالفین را به رگبار بستند و از قضا نیروی اصلی (و نه مسئول اصلی) که به سمت مخالفین شلیک کرد همین آقایان و خانم های "هسته" بودند.

۳. اگر افراد "هسته" باند تبهکار فراموش نکرده باشند، چهار سال قبل که در نقش پادوهای توکل به چمافداری علیه ما مشغول بودند، مدعی می‌شدند که جریان اصولی فقط یک نفر است و آنهم

اکنون که باند تبهکار به اجزا خود تقسیم شده و سرنوشت "هسته" هم تبدیل شدن به "دانه" است، آشکار است که چه کسی متلاشی شد و چه کسی رشد نمود. اگر گردانندگان "هسته" حداقل شرافت یک انسان معمولی را هم می‌داشتند، حداقل به این واقعبیت اعتراف می‌کردند که این باند تبهکار بود که متلاشی شد و این نیروهای مقاومت انقلابی وابسته به مجاهدین و شورا هستند که روز بروز گسترش می‌یابند و تقویت میشوند.

برای دیدن انحراف و خیانت امثال توکل و حسین زهری هم لازم نیست جستجو و تجزیه و تحلیل بسیار کرد. افکار توکل و زهری در درون "هسته" در همین لحظه هم وجود دارد و کامیابی و زهری بر خلاف لنین که معتقد است "موضوع اصلی انقلاب، مسأله قدرت حاکمه است" - از میان گردانندگان "هسته" به کسانی که مسأله اصلی انقلاب ایران را مسأله سرنگونی رژیم حاکم و کسب قدرت سیاسی میدانند حمله میکنند. "هسته" دو همین شماره ۳ روزنامه‌اش در انتقاد به این افراد گفته است "مسأله اصلی انقلاب به سرنگونی رژیم خمینی تقلیل داده میشود" (سوسیالیسم - شماره ۳) معلوم میشود که از نظری "هسته" کارهای مهمتر از سرنگونی رژیم وجود دارد.

لجن پراکنی های "هسته" باند اقلیت، نمیتواند این حقیقت را کتمان کند که پس از چهار سال باند کامیابی - زهری آنچنان متلاشی شده‌اند که پادوهای "هسته" نشین آنان هم مجبورند از آنان تبری جویند و در مقابل ما استوار و سرسخت بر سر مواضعمان ایستادگی نمودیم و تحت هیچ فشار و شانتازی نیز از اصول نظری و عملی مان عقب نشینی نکردیم و نخواهیم کرد. در دست بعلت اصولی بودن، انقلابی بودن و پایدار بودن ماست که روز بروز ما در مبارزه سیاسی علیه خط انحرافی اقلیت پیروز شدیم و باند تبهکار در لجن زار خیانت غرق شد.

نشینی نکردیم و نخواهیم کرد و درست بعلت اصولی بودن، انقلابی بودن و پایدار بودن ماست که روز بروز رشد کرده‌ایم و رشد خواهیم کرد.

ما در مبارزه سیاسی علیه خط انحرافی اقلیت پیروز شدیم و باند تبهکار در لجن زار خیانت غرق شد.

در پایان بر اساس مسئولیت انقلابی و وظایفی که در مقابل نیروهای معتقد به سوسیالیسم و کمونیسم داریم باید این نکته را هم متذکر شویم که "هسته" اقلیت، چیزی جدا از باند کامیابی (توکل) - زهری (بهرام) نیست و تازه افراد این "هسته" گر چه می‌توانند برای اقدامات ارتجاعی و مافیایی آدمهایی مثل زهری و کامیابی، قابل استفاده باشند، اما بعلت اینکه فاقد هر گونه جوهر انقلابی و پرنسب مردمی هستند، بعلت فقدان هر گونه توان ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی، هیچ دردی از دردهای باند تبهکار اقلیت را نمیتوانند درمان کنند و تنها پس از تجزیه "هسته" به "دانه" بر تعداد منفعلین، سرخوردگان، ملغی بافان اضافه خواهند کرد و این باز هم خدمتی است به رژیم ارتجاعی و ضد انقلابی خمینی که گردانندگان "هسته" سرنگونی آنرا از وظایف خود دانسته و این امر را "تقلیل" مبارزه می‌دانند.

مهدی سامع - آذر ۶۶

تنها "مهدی سامع" - اما امروز از یک جریان صحبت می‌کنند که در درون تشکیلات وجود داشته است. "هسته" باند تبهکار این جریان را "سامع" و دارودسته‌اش "نامیده است. این یک اعتدال آشکار به این مطلب است که تمامی حرفهایی که در گذشته تحویل مردم داده‌اند، دروغ بوده و ما واقعا یک جریان جدی بوده‌ایم. اما "هسته" برای اینکه خیانت و فرومایگی خود را تکمیل کند از نیروهای طرفدار خط اصولی بنام "تنگچی" و از آنان که در راه اهداف اصیل انقلاب بشهادت رسیدند تحت عنوان "قربانی" یاد می‌کند. در مورد اخیر به سیاق همه عوامفریبان صفت "وزمنده پاکباز" را به "قربانیان" می‌دهد تا خون شهدا را وسیله اهداف خفیف خود قرار دهد. اما باید گفت زهی خیال باطل. آن کسانی که در راه مبارزه با رژیم خمینی و برای آزادی جان باختند، میراثی بر جای گذاشتند که دوستان و دشمنان آنها با این میراث سنجیده میشوند و نه با دوستی خاله خرسه. آن میراث دفاع از مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم و فعالیت درجهت آنست. بنابراین شما گوشه نشینان مکتب انفعالی و بیریدگی، کوچکتر از آن هستید که بتوانید شهادت آن قهرمانان را وسیله‌ای برای نفی راه انقلابی آنان قرار دهید.

۴. "هسته" باند تبهکار بیپوده به یک دروغ

و حتماً این وظایف، از نوع وظایفی است که حسین زهری در همدستی با محافل ارتجاعی و امپریالیستی در اروپا انجام داده است. درد اصلی "هسته" همان درد توکل و حسین زهری و امثالهم است. درد این جماعت فقدان شهادت برای ابراز "بیریدگی" است. تمام قلمفرسایی‌ها برای توجیه این مطلب است که جنایان "هسته" نمی‌خواهند و نمیتوانند به مبارزه واقعی مبارزت و رزند. آنوقت مجبور میشوند به سرو صورت آنان که راه مبارزه واقعی را انتخاب کرده‌اند، چنگ اندازند. زهی دون مفتی.

۲. اینکه جماعت "هسته" پس از چهار سال هنوز دچار کابوس هستند و نمی‌توانند از نقشی که در کودتای باند توکل علیه خط اصولی داشتند، آرامش خاطر پیدا کنند، مسأله قابل درکی است. اما منتهای فرومایگی اینست که اکنون پس از چهار سال، بخيال مریبندی یا شیوه توکل در حل تضادهای آن موقع، افتاده‌اند و میگویند "نوع تصفیه جای بحث خود را دارد" (همانجا).

ظاهراً پس از آنهمه چمافداری می‌خواهند گناه خود را لاپوشانی کنند. نکته ای که باید در همین جا متذکر شد اینست که این موضع گیری و انتقاد از اعمال ضد دمکراتیکشان هرگز از یک دید سالم و انقلابی سرچشمه نمی‌گیرد. چرا که چند سطر یا لایر از این "انتقاد از خود" زیر پوشش



## رسوایی معاملات پنهانی دولت فرانسه با رژیم تروریست خمینی

از صفحه ۱  
در تاریخ ۱۹ نوامبر خبرگزاریها اعلام کردند که حسن خمینی وزیر دادگستری رژیم خمینی ظاهراً به منظور شرکت در مذاکرات و گفتگوهای سازمان یونسکو برای تعیین مدیر عامل جدید این سازمان به فرانسه وارد شد و در پاریس سر میبرد. وی حدود یکماه قبل از این تاریخ با هدف انجام کار مشابهی در پاریس بوده و با بعضی از مقامات فرانسوی مذاکراتی داشته است. همچنین در این تاریخ صادق طباطبائی مزدور با سابقه و قاچاقچی مواد مخدر که مدتها از طرف پلیس آلمان در رابطه با حمل تریاک از ایران به اروپا تحت تعقیب قرار داشت در پاریس بوده و روی حل و فصل مسئله گروگانها با مقامات دولت فرانسه صحبت کرده است.

بفاصله چند روز یعنی در تاریخ ۲۶ نوامبر سازمان مزدور موسوم به "عدالت انقلابی لبنان" که از معروفترین سازمانهای دست نشانده رژیم خمینی میباشد با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که یک نفر از گروگانهای فرانسوی را که در دست دارد آزاد میکند و متعاقب آن در فدای همانروز معلوم گردید که نه یک نفر، بلکه دو نفر از گروگانهای فرانسوی به نامهای ژان لوشی نورماندن و روزه الک آزاد میشوند. این دو نفر با سر و صدای زیاد و بگرمی در فرودگاه پاریس مورد استقبال قرار گرفتند و با ذکر این نکته که جان دیگر دوستانشان در خطر قرار می‌گیرد و از ابراز کوچکترین حرفی در رابطه با جریان اسارتشان خودداری کردند.

دو روز بعد در تاریخ ۲۹ نوامبر مردم فرانسه با تعجب از طریق رسانه‌های عمومی با خبر شدند که وحید گرجی سردسته تروریستهای خمینی در اروپا که مدتها از ترس دستگیر شدن بزده لانه در ساختمان سفارت ایران در فرانسه مخفی و جرات بیرون آمدن را نداشت با یک هواپیمای اختصاصی پاریس را به مقصد تهران ترک کرده است.

وحید گرجی دیپلمات - تروریست رژیم خمینی در رابطه با بعث گزاریهایی پاریس و با لایحه بمسب گزاری سینتامبر ۸۶ مزدوران خمینی در جلوسوی فروشگاه نانی در پاریس که منجر به کشته شدن جمعی از فرانسویان و زخمی شدن عده‌ای دیگر گردید از طرف یکی از قضات فرانسه بنام قاضی بلوک به عنوان متهم احضار شده بود که نامبرده با کمک عوامل رژیم و با مخفی شدن در سفارت ایران از حاضر شدن در جلوی قاضی مربوطه خودداری نموده و دولت فرانسه نیز برای دستگیر کردن وی سفارت ایران در فرانسه را مدتها تحت محاصره خود داشت.

لازم به تذکر است که این ماجرا یکی از عوامل تیرهگی رابطه فرانسه با رژیم خمینی بود که منجر به قطع روابط دو کشور از طرف دولت فرانسه گردید. رژیم خمینی در واکنش به محاصره سفارت خود در پاریس متقابلاً سفارت فرانسه در تهران را به محاصره خود در آورد و سفیر فرانسه در تهران را به گروگان گرفت.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۲۹ نوامبر

وحید گرجی در ساعت ۶ بعد از ظهر با اتومبیل و اسکورت مخصوص بدین قاضی بلوک رفت و بعد از رفع اتهام از وی از طرف قاضی مزبور بدلیل نبودن مدارک کافی آزاد گردید و بلافاصله به تهران رفت.

در همان زمان ژان پل توری کنسول سابق سفارت فرانسه در تهران که بصورت گروگان در ایران نگهداری میشد با ترتیب دادن همان سناریو در مقابل دادستان رژیم خمینی قرار گرفت و از اتهامات مربوطه منبراً گردید و او هم اجازه خروج از ایران را پیدا کرد و مسئله بحران سفارتخانه‌ها حل گردید.

کلیه رسانه‌های گروهی فرانسه با تاکید بر شرم آور بودن این داد و ستد این معامله تحقیر آمیز را که یکسر آن دولت دست راستی فرانسه و طعنه دیگرش رژیم تروریست خمینی بود به باد انتقاد و استیزا گرفتند.

به گزارش رادیو آمریکا مذاکرات میان مقامات فرانسوی و سازمان "عدالت انقلابی لبنان" که دو گروگان فرانسوی را در دست داشت با واسطه گیری آقای مارشالی یکی از نزدیکان شارل پاکوا وزیر کشور دولت شیراک صورت گرفته بود.

رادیو رژیم خمینی در ۳۰ نوامبر در تفسیری پیرامون آزادی وحید گرجی، ماجرای سفارتخانه‌ها را نتیجه رقابت گروههای مختلف داخلی در فرانسه ارزیابی کرده و با وقاحت ارتباط این موضوع را با جریان آزادی گروگانهای فرانسوی در لبنان بکلیسی تکذیب نمود. بنگاه دروغ پرانی رژیم مزدور خمینی ضمن تحقیر این اقدام دولت فرانسه با تیختر به این دولت هشدار داد که باید نسبت به دیگر خواسته‌های رژیم از جمله پرداخت بدهی اوردیف و اخراج کلیه هواداران مقاومت انقلابی در فرانسه اقدامات سریعتی انجام دهد.

مشخص گردید که رژیم خمینی با توسل به حربه گروگانها از موضع بالا با دولت دست راستی فرانسه معامله کرده و شرط آزادی گروگانها را باج دادن به خود ترسیم نموده است. رژیم شاید خمینی به فهمیدن مساله گروههای رقیب در فرانسه و بخصوص موعد انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه دولت دست راستی فرانسه را به بازی گرفته و هر جور که می‌خواهد به میل خود می‌چرخاند.

دست راستیها که با وعده آزادی گروگانها بر سر کار آمده بودند تمامی تلاش خود را برای آزادی گروگانها بکار برده تا شاید از این راه بتوانند به قول خود عمل کرده و با استفاده از زمینه مناسب تبلیغاتی که با آزادی گروگانها ایجاد میشود در انتخابات مارس ۸۸، رئیس جمهور مورد حمایت خود را بر سر کار بیاورند.

واکنش‌های گوناگونی در رابطه با آزادی وحید گرجی از طرف احزاب و مقامات مخالف و موافق دولت انجام گرفت. واکنش لئونل ژوسین دبیر کل حزب سوسیالیست فرانسه در این مورد جالب بود وی ضمن اظهار ناراضی خود از این اقدام دولت اعلام کرد "با مدارکی علیه گرجی در دست نبوده، پس چرا ۵ ماه سفارتخانه‌های یکدیگر را در محاصره گرفتید؟" او مدتی غلبه او بوده، پس چرا اجازه داده‌اند که او آزاد شود؟ دولت انگلستان در واکنش رسمی خود به مسائل اخیر در فرانسه در رابطه با

آزادی گروگانها، با نشان دادن خشم خود اعلام کرد که مقامات فرانسه موافقتنامه‌های بین المللی در مورد رفتار با گروگانگیرها و تروریستها را زیر پا گذاشته و به آنها باج داده است و اینرا بهایی سخت سنگین نامید که از طرف فرانسه به تروریستها پرداخت شده است.

روزنامه واشنگتن پست اعلام کرد که در اول دسامبر ۱۹۸۷ فرانسه موافقت کرده است که در چهارچوب معامله‌ای که روز جمعه به آزادی دو گروگان فرانسوی در لبنان منجر شد بیش از سیصد میلیون دلار یعنی یک سوم بدهی اوردیف را به رژیم خمینی پرداخت نماید. بدهی اوردیف مربوط به وامی است به مبلغ یک میلیارد دلار که در سال ۱۹۷۴ از طرف رژیم شاه به سازمان انرژی اتمی فرانسه داده شده است و رژیم خمینی با اضافه کردن بهره‌ای به مبلغ یک میلیارد دلار آنرا از فرانسه مطالبه میکند.

دولت آمریکا نیز با ابراز ناراضی خود از این ماجرا سیاست دولت فرانسه را به باد انتقاد گرفت. واکنش دولت عراق در روزنامه الشوره ارگان حزب بعث عراق بدین صورت آمده است: "معلوم نیست چرا کسانیکه اعدای مبارزه با تروریسم را میکنند حاضر شده‌اند با تروریستها وارد معامله شوند".

در تاریخ ۲ دسامبر اعلام شد که ۵ نفر از اعضای سفارت فرانسه در ایران به پاریس باز گشته و ۳ نفر دیگر با انتقال به سفارت ایتالیا در تهران بعنوان دفتر حافظ منافع فرانسه در ایران بکار خود ادامه میدهند. ایران نیز با گذاشتن ۳ تن از دیپلماتهای خود در سفارت تهران در پاریس بقیه دیپلمات - تروریستهای خود را از فرانسه خارج کرد.

حسین شیخ الاسلام معاون مزدور وزارت خارجه رژیم اعلام کرد که بزودی روابط سیاسی فیما بین ایران و فرانسه بطور کامل تجدید خواهد شد.

تمام شواهد و قرائن حاکی از زودبندی پشت پرده بین دو دولت بود و تقریباً برای هیچکس کوچکترین شکی در این مورد وجود نداشت که ناگهان برخی دیگر از معامله شرم آور دولت دست راستی فرانسه با رژیم مغفور خمینی، تعجب و نفسرت جهانیان را برانگیخت.

در سپتامبر ۷ دسامبر برابر با ۱۶ آذر ماه پلیس فرانسه در اقدامی تنگ آور به دفتر سازمان مجاهدین خلق ایران و همچنین محل اقامت تعدادی از هواداران مجاهدین در حومه پاریس حمله برد و دهها نفر را بازداشت و با اعمال خشونت و بکار بردن زور آنها را در یک هواپیمای اختصاصی سوار کرده و از طریق مراکش و نیجریه به کشور افریقای گابن فرستاد. وزارت کشور فرانسه در بیانیه‌ای که به همین مناسبت منتشر کرد اعلام نمود که دستگیر شدهگان مشمول اقدامات ستیزه جویانه‌ای هستند که نظم عمومی را بشدت مختل ساخته‌اند و این حکم به استناد ماده ۲۶ فرمان مورخ ۲ نوامبر ۱۹۸۵ در رابطه با ورود و اقامت اتباع بیگانه در فرانسه صادر شده است.

بعد از روشن زودبندیهای دولت فرانسه با رژیم خمینی مشخص شد که هدف عمده و خواسته مشخص رژیم خمینی از دولت فرانسه متوقف کردن فعالیت



## رسوایی معاملات پنهانی دولت

## فرانسه با رژیم تروریست خمینی

انقلابی مقاومت در فرانسه و بخصوص اخراج کردن هواداران فعال مجاهدین از این کشور بوده است. رژیم خمینی در تنگنای شدید داخلی و بین المللی و در حال خوردن ضربات سهمگین از ارتش آزادیبخش ملی از هر وسیله‌ای برای ضربه زدن به پیکر خونین مقاومت قهرمانانه مردم ایران به رهبری شورای ملی مقاومت استفاده میکند. این رژیم با استفاده از فرصت بدست آمده با همکاری دولت دست راستی فرانسه چنین افتخاری را برای خود و " همکارش" بوجود آورده است.

مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران در واکنش شدید و اعتراضی نسبت به این اقدام پشت پرده دولت فرانسه بلافاصله با ارسال پیامی به فرانسوا میتران این عمل را ننگ آور خوانده و خواستار دخالت مستقیم رئیس جمهور فرانسه در بازگرداندن اخراج شدگان گردید.

امواج سهمگین اعتراضات و مخالفتها بطور پی در پی بر سر دولت فرانسه فرود آمد و باعث شد مقامات مسئول دولت مخصوصاً نخست وزیر و وزیر کشور مرتباً انجام هرگونه معامله با رژیم خمینی را انکار کرده و در موضع ضعف قرار گیرند.

آقای ژان پیروت کمیسر عالی امور پناهندگان سازمان ملل متحد در تماس تلفنی با وزارت خارجه هشدار داد که باید کلیه حقوق افراد دستگیر شده در رابطه با کنوانسیون ژنو که فرانسه نیز آنرا امضاء کرده است رعایت شود. طبق اخبار منتشره ۱۲ نفر از هواداران مجاهدین به همراه ۳ تن از کردهای ترکیه با اتهامی مشابه به گابن فرستاده شدند و نفر دیگر از هواداران مجاهدین در خانه‌های خود تحت نظر قرار گرفتند.

افراد اخراج شده به محض رسیدن به لیبرویل پایتخت گابن در بعد از ظهر ۷ سامبر یعنی همان اعتراضی به این عمل دست به اعتصاب غذا زده و جریان بدرقاری پلیس فرانسه را در موقع دستگیری خود برای

خبرنگاران رسانه‌های جهانی که بدین آنها رفتند بودند بازگو کردند. در فرانسه نیز بلافاصله در اعتراض به این عمل دولت فرانسه، خانواده و بستگان اخراج شده‌ها که در حدود ۴۵ نفر می‌شدند در جلوی مقر کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل در پاریس دست به اعتصاب غذا زده و خواسته نهایی خود که بازگشت اخراج شدگان می‌باشد را اعلام کردند. در بیشتر از ۳۰ نقطه جهان راهپیماییها و تظاهراتی در محکومیت این عمل دولت فرانسه صورت گرفت. اتحادیه جهانی حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای در پاریس اقدام دولت فرانسه را محکوم کرد. آقای ژاک لانگ وزیر فرهنگ پیشین فرانسه گفت: " دولت با این زست ننگین حق پناهندگی را نادیده گرفت و با دیکتاتوری خمینی وارد معامله شد". وی ضمن محکوم کردن این عمل بشدت به وزیر کشور فرانسه حمله کرد. لوئان نابیوس نخست وزیر پیشین فرانسه ضمن مورد انتقاد قرار دادن اخراج پناهندگان ایرانی اعلام کرد: " گناه آنها مخالفت با رژیم خمینی است، کار دنیا بر عکس است زیرا این رژیم تروریست پرور تهران است که باید مجازات و اخراج شود".

یک گروه ۴۶ نفری از اعضای پارلمان بریتانیا که از ۴ حزب عمده این کشور هستند در تلگرافی به رئیس جمهور فرانسه خواستار بازگشت این پناهندگان به فرانسه گردیدند. وزیر حقوق بشر در کابینه فرانسه آقای کلود مالوره ضمن انتقاد از کار دولت گفت: " باور نمی‌کنم که مجاهدین اخراج شده آنچنان خطری برای فرانسه داشته‌اند که بدین شکل اخراج شود".

به گزارش روزنامه لومینن در روز ۱۹ آذر ماه رئیس جمهور فرانسه فرانسوا میتران به منظور پاسخ گویی به سوالات کمیساریای عالی سازمان ملل متحد بطور ناکهانی وارد جلسه هیئت وزیران شد و در مورد اخراج پناهندگان ایرانی هوادار سازمان مجاهدین خلق از وزیر کشور و نخست وزیر توضیح خواست.

در روز جمعه ۲۰ آذر ماه بدنبال اقدامات موثر بین المللی و تلگرافهای اعتراضی آمیز مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت به رئیس جمهور فرانسه و دبیر کل ملل متحد و کمیساریای عالی پناهندگان

ملل متحد، ۲ تن از پناهندگان اخراج شده که در کشورهای انگلستان و سوئد پناهنده بوده و به منظور مسافرتی کوتاه به فرانسه آمده و پلیس فرانسه با نقض کلیه حقوق و پرنسب های بین المللی آنها را دستگیر و به گابن فرستاده بود، در میان استقبال با شکوه هواداران مقاومت و مسئولین شورای ملی مقاومت در این کشورها و همچنین نمایندگان کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به اروپا بازگشته و بار دیگر رژیم خمینی را با شکست خفت آور دیگری روبرو کردند. اعتصاب غذای اخراج شده‌گان و همچنین بستگان آنها در پاریس همچنان ادامه دارد. اعتراضات و فشارهای بین المللی همچنان گسترش می‌یابد. نخست وزیر فرانسه خود را بکلی از مسائل کنار کشیده و حرفهای گذشته خود را تکذیب می‌کند. در انگلستان عده‌ای از پناهندگان ایرانی دست به اعتصاب غذا بمنظور اعتراض به عملکرد دولت فرانسه زده‌اند. در هلند تظاهر کنندگان کرد در اعتراض به اخراج دوستانشان بمدت چند دقیقه سفارت فرانسه در لاهه را به اشغال خود در آوردند.

علماً مقاومت قدرتمند و انقلابی مردم ایران به رهبری شورای ملی مقاومت همچون همیشه سربلند و پر افتخار تا در هم شکستن کلیه موانع و مشکلاتی که امپریالیسم جهانی و ارتجاع بین الملل بر سر راهش ایجاد میکند، با پشتوانه عظیم توده‌های وایمان فوق العاده خود به پیش خواهد رفت و ننگ و نفرت را نصیب دشمنان مردم ایران خواهد نمود. رژیم ددمنش خمینی در چنان لجنزاری گیر کرده است که بهر قیمتی سعی در پیدا کردن خوراک تبلیغاتی برای عوامل مزدورش می‌نماید. پیکروز به دروغ مقاومت انقلابی را از بین رفته اعلام میکند و روز دیگر اخراج چند نفر از هواداران مقاومت ایران را با صحنه سازی به گوش مردم ایران می‌رساند. ولی همانطور که تا بحال در همه اعمال و رفتارش شکست خورده این بار نیز نمیتواند از این ساله استفاده‌ای ببرد.

## طرح پاسدار - عشایر

از صفحه ۱۲

امنیت عشایر را نیز بعهده گرفت. کمیته انقلاب اسلامی از بین خود عشایر کشور بهترین نیروهای عشایر را جذب نمود و بدین ترتیب پاسدار - عشایر بوجود خواهد آمد. رژیم خمینی که در بن بست لاعلاج سیخ نیرو قرار گرفته است در چند ماه پس از ریزی چنین طرحهایی می‌کوشد تا نیروی جنگی و سرکوب را تامین نماید. طرح پاسدار - عشایر و ایجاد پاسگاه ثابت و سیار یک طرح سرکوبگرانه است که برای مقابله با نیروهای رزمنده مقاومت ندارد دیده میشود. بدنبال ضربات کوبنده ارتش آزادیبخش ملی در نوار مرزی کشور رژیم خمینی سی تا کلون تدابیر گوناگونی اتخاذ کرده است که آخرین آنها ایجاد این دو نوع پاسگاه است. همچنین به گفته رادیوی رژیم در تاریخ ۶۶/۷/۲۸ در جلسه شورای امنیت رژیم تدابیری برای مقابله با "گروهها" اتخاذ گردید.



هم میهنان مبارز

نیروهای مترقی و بشر دوست

در پی تلاشهای مذبوحانه رژیم ددمنش خمینی، بمنظور محدود کردن فعالیت های انقلابی هواداران شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران در خارج از کشور، دولت دست راستی فرانسه در راستای معاملات پشت پرده با این رژیم ضد بشری، در یک اقدام بیسابقه و ننگ آور در روز دوشنبه ۱۶ آذر ماه با یورش به محل اقامت تعدادی از پناهندگان ایرانی که از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران بودند، آنها را بطرزی وحشیانه توسط پلیس این کشور، بعنوان کسانی که مخل امنیت کشور فرانسه هستند به قصد اخراج، بدون کوچکترین دلیل قانونی بزور بوسیله یک هواپیمای به کشور گابن فرستاد. ما این عمل شرم آور دولت دست راستی فرانسه که با نقض کلیه حقوق انسانی و حق پناهندگی آنها صورت گرفته را باج دادن به رژیم تروریست خمینی دانسته و آنرا شدیداً محکوم می‌کنیم و از تماسی نیروهای مترقی و بخصوص ایرانیان پناهنده در سراسر جهان می‌خواهیم که در دفاع از حقوق پناهندگی هم میهنانمان در اکیونتها و اعتراضاتی که توسط خانواده‌های آنها و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در کلیه نقاط جهان برگزار میشود شرکت فعال نموده و بدین وسیله گامی دیگر در افشای و طرد رژیم قرون وسطایی خمینی برداشته و سرنگونی محتوم آنرا هر چه بیشتر تسریع نمایند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (پیرو برنامه هویت)



# اخبار

از صفحه ۴

بار دیگر برای سومین سال متوالی مجمع عمومی ملل متحد در چهل و دومین اجلاس عالی خود بصورت تصویب قطعنامه‌ای رژیم خمینی را بخاطر نقض مستمر حقوق بشر در ایران محکوم نمود. در تاریخ ۲۷ نوامبر کمیته فرهنگی، انسانی و اجتماعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد این قطعنامه را بصورت اکثریت آراء به تصویب رسانید و سپس در تاریخ ۱۶ آذر برابر با ۷ دسامبر در رای گیری نهایی در اجلاس مجمع عمومی ملل متحد از سوی نمایندگان کشورهای مختلف جهان مورد تأیید گرفت.



یک چریک قهرمان فلسطینی در شب ۲۵ نوامبر با یک عدد کایت موتوری از مرز شمالی اسرائیل در منطقه گالیله به یک پایگاه نظامی اسرائیل در نزدیکی شهر کبها و شونا حمله کرد و با بکار بردن نارنجک و مسلسل دستی موفق شد ۶ سرباز اسرائیلی را کشته و تعدادی دیگر را بشدت زخمی نماید. چریک فلسطینی که عضو جبهه خلق برای آزادی فلسطین به رهبری احمد جبرئیل بود بعد از این عملیات قهرمانانه بشهادت رسید. کابینه اسرائیل بمنظور بررسی و چاره جویی این موضوع جلسه فوق العاده تشکیل داد و ارتش اسرائیل برای جلوگیری از ورود مجدد چریکهای فلسطینی منطقه وسیعی را در شمال این کشور تحت جستجو قرار داد.



## تظاهرات خونین در مناطق اشغالی فلسطین

بندبنا اعتراضات فلسطینیان ساکن مناطقی اشغالی کرانه باختری رود اردن ارتش اسرائیل برای مقابله با اعتراضات دانشجویان کالج خفسوری در مناطق بیهودا و شمرن و کالج دیگر در شهر رام اله را تعطیل کرد. در ادامه این اعتراضات فلسطینیان ساکن شهر نابلس در کرانه باختری رود اردن که در اشغال اسرائیل است بمنظور بیرون آمدن از زیر بوغ ارتش اسرائیل از روز ۸ دسامبر به تظاهرات و حمله به کامپونهای نفربر اسرائیلی پرداختند که طبق گزارشات رسیده در این روز ۲ نفر توسط ارتش اسرائیل به قتل رسیدند و در روز ۱۰ دسامبر نیز یک دانش آموز عرب بنام ابراهیم الخلیل ۱۷ ساله مورد اصابت گلوله‌های سربازان اسرائیل قرار گرفت و سه قتل رسید. دانش آموزان عرب ساکن شهر نابلس با ایجاد راه پندان و آتش زدن لاستیکها با ارتش اسرائیل به مقابله پرداختند که در جریان این درگیریها که هنوز ادامه دارد تعداد زیادی از دانش آموزان دستگیر گردیدند. دولت اسرائیل بمنظور مقابله با مردم در مناطق بیهودا، شمرن و باریکه غزه و همچنین در اردوگاههای فلسطینی بلاطسا و الموکراشخ شهر نابلس و اردوگاه سلطانا مقررات منع آمد و رفت اعلام کرد. در شهرهای اشخیم، رام الله و غزه اعتماب عمومی اعلام شد و بازارهای این شهرها به نشانه اعتراض به قتل و عام فلسطینیان توسط ارتش اسرائیل بسته است. دانشجویان و دانش آموزان مناطق اشغالی بخصوص شهر اشخیم نیز در صفحه ۵

## تمامی آنچه که من درخواست دارم

من درخواستی بیش از مردن در کشورم ندارم، تا در آن خاک تجزیه و ترکیب شوم، تا آن سبزه را باز ببآورم، تا به گلی حیات بخرم که کودکی از کشورم آنرا خواهد چید. تمامی آنچه که من درخواست دارم اینستکه در آغوش کشورم باقی بمانم، به عنوان خاک،

سبزه،

یک گل.



قطعه شعری از شاعری بنام فضا توقان از زبان یک کودک آواره فلسطینی



## All I ask

I ask nothing more  
Than to die in my country,  
To dissolve and merge with the soil,  
To nurture the grass,  
To give life to a flower  
That a child of my country will pick.  
All I ask  
Is to remain in the bosom of my country,  
As soil.

Grass,

A Flower,

FADWA TOUQAN

## برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

۱۹۲۲ - سالروز آزادی آلبانی

۱۹۴۵ - تشکیل فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان

۱۹۴۵ - تصویب منشور حقوق سندیکایی زحمتکشان

بوسیله شورای عمومی "فدراسیون سندیکایی جهان"

۱۹۴۸ - تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ملل

متحد

۱۹۵۷ - میان گذاری شورای جهانی صلح در ورشو

۱۹۶۷ - استقرار جمهوری دمکراتیک خلق یمن جنوبی

بدنبال استقلال یمن

## وضع فلاکت بار مردم

### در شهرکهای اطراف تهران

از صفحه ۱۲

هستند. بغیر از بوسی که در اثر وجود همین زبالهها در فضا پیچیده، محل بسیار مناسبی هم برای زیست انواع حشرات و میکربها می باشد که بدنبال آن شیوع انواع بیماریها را در پی دارد. قاعدتا زندگی در این محیط ضرورت وجود درمانگاه و کلینیک های پزشکی را به میان می کشد، ولی در این شهرکها اشتری از کوچکترین امکانات بهداشتی و مراکز درمانی دیده نمیشود. در درمانگاههایی هم که وجود دارد از پزشک خبری نیست. مثلا شب ها اگر فردی احتیاج به دکتر داشته باشد باید حتما به تهران مراجعه نماید آنهم در صورتیکه وسیله نقلیه در دسترس باشد. مشکل دیگر عدم وجود سرویس های رفت و آمد است. اهالی این شهرکها که اغلب کارگران کارخانجات را شامل میشود از وجود سرویس های منظم و مداوم محرومند. ساکنان شهرکها از وجود محلهایی که بتوانند مواقع بیکاری خود را در آن بسر ببرد نیز بی بهره اند مثلا حتی یک مرکز فرهنگی و آموزشی و یا پارک و سالن ورزشی در دسترس مردم نمی باشد. کوچه های خاکی سفلو از زباله بگانه تقریبا محله سازی کودکان می باشد.

ساکنان این شهرکها بر اثر گرانی بیش از حد و همچنین با لا بودن اجاره خانه به این محلهای پناه آورده اند به این امید که شاید بتوانند از دست

گرانی رهایی یابند غافل از اینکه گرانی و تورم و احتکار تمامی گوشت و کنار مین در بدمان را در خود گرفته است. مثلا با وجودیکه اعلام شده که گوشت کیلویی ۱۲۰ تومان است، اما مردم باید آنرا ۲۰۰ تا ۲۲۰ تومان خریداری نمایند که در مواردی هم گوشت خریداری شده ناسالم است. صف های طولانی سیمای دیگر این شهرکها می باشد. ارزاقی که به این شهرکها وارد میشود بر اثر کمبود سریعاً تمام میشود و کوپن های شهرکها را در شهر تهران قبول نمی کنند.

کمبود آب آشامیدنی از مشکلات دیگر مردم است در شهرکها اکثرا آب لوله کشی قطع است و این در حالیکه آب این شهرکها به هیچوجه تصفیه نمیشود. مثلا موقعی که آب شهرک موسی آباد به تهران برده شد، پس از آزمایشات مشاهده گردید که ۱۷ نوع انگل دارد و با مثلا آب شهرک سحمدیه پر از ماسه و آهک است.

بطور کلی مشکلات و کمبودهای این شهرکها را می توان چنین خلاصه کرد: آب آشامیدنی ناسالم گرانی سرسام آور، نارسایی در توزیع اجناس سهمیه بندی شده، کمبود مراکز درمانی و تفریحی، فاضلابهای کثیف، خیابانهای پر دست انداز، کمبود نان و غیره... خمینی جلاد و دارودستگاهش در مقابل این همه بدبختی و مشکلات که دامنگیر مردم ایران است فقط یک جواب می دهند: " جنگ، جنگ، اغتنام"



### وضع فلاکت بار مردم در شهرکهای اطراف تهران

در نگاهی گذرا به وضعیت اسفبار مردم در تعدادی از شهرک های اطراف تهران از یکسو عمق فلاکت و بدبختی ساکنان این شهرک ها و از سوی دیگر اوج جنایت و خیانت سزومداران رژیم بوشوح و روشنی نمایان می گردد. اهالی این شهرک ها (موسی آباد، سنجید، قاسم آباد و...) که بار ظلم و ستم و نابرابری رژیم سفور سلطنتی را همچنان بر دوش دارند از باری نیز که رژیم جمهوری اسلامی بر آن افزوده ( البته بصورت سنگینتر) رنج می برند. در نگاه اول سیمای بیرونی خانه ها که اکثرا از آجر و گل ساخته شده بوشوح وضعیت درونی این خانه ها را نیز مشخص می نماید. در درون این به اصطلاح ساختمانها مردمانی زحمتکش زندگی می کنند که اکثرا بزحمت توانایی تامین معاش روزانه را دارند. غیر از مساله بیکاری، وضعیت خود شهرک ها هم برای مردم بسیار رنج آور و دردناک است. در اطراف این خانه ها زباله ها بطرز بسیار زنده ای پراکنده در صفحه ۱۱

### گرامی باد خاطره انقلابی بزرگ رفیق شکراله پاک نژاد

#### گرامی باد ۲۶ آذر روز پیشمرگه کردستان

روز ۲۶ آذر اکنون چند سالی است برای مردم کردستان و پیشمرگان آن به یکی از جشنهای تبدیل شده که هر سال بنا به موقعیت آنها به اشکال مختلف گرامی می دارند.

روز ۲۶ آذر روز پیشمرگه کردستان است. در سال ۱۳۲۴ مبارزان راه آزادی و خود مختاری با حمله مسلحانه به شهرهای مهاباد و خلغ سلاح آن تشکّل سلاح و دمکراتیک خود را ایجاد کردند که بعد از مدتی به نیروی پیشمرگه موسوم گشت. روز ۲۶ آذر روز تعظیم و تکریم در برابر خونهای است گسه در راه بدست آوردن حق تعیین سرنوشت بوسیله رژیمهای شاه و خمینی بنا حق به زمین ریخته شده اند. روز تجلیل از مقام انسانی است که قهرمانانه با یکی از مدمنش ترین رژیمهای معاصر در نبرد، روز ارج نهادن به مقام کسانی است که در مبارزه برای آزادی و خود مختاری رژیم مشترکی دارند و روز تجدید عهد با پیشمرگان شهید سازمان و تمامی پیشمرگان شهید کردستان است.

ما چه به لحاظ تاریخی و چه بلحاظ سیاسی روز ۲۶ آذر را روز تمامی پیشمرگان کردستان از جمله پیشمرگان فدایی می دانیم و تا کنون برای تثبیت آن کوشیده ایم و خواهیم کوشید.

در صفحه ۶

### برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:

۱۲۵۱- تولد حیدرخان ممو اوغلی از رهبران حزب کمونیست ایران  
۱۲۸۵- کودتای محمد علی شاه  
۱۳۰۰- شهادت سیرزا کوچک خان رهبر جنبش کیلان بدست عمال رژیم رضا شاه  
۱۳۲۲- حمله جاقو کشتان حزب وطن به کارگران شهر شاه و مجروح کردن تعداد زیادی از کارگران  
۱۳۲۵- تشکیل حکومت خودمختار آذربایجان و شکست این دولت پس از یکسال  
۱۳۲۲- شهادت رسیدن سه دانشجوی انقلابی دانشگاه تهران، رضوی، قندچی و بزرگنیا (روز دانشجو)  
۱۳۵۳- لشکر کشی شاه به طار و ایلای نقش زاندارم امپریالیسم توسط ارتش شاه  
۱۳۵۷- تعرض انقلابی تلی چند از پرسنل ارتش به سران مزدور ارتش شاه در یادگان لویزان. در این عملیات قهرمانانه گروهان دوم اسماعیل سلامت بخش و سرباز وظیفه ناصرالدین امیدی عابد با افتخار شهادت رسیدند.  
۱۳۵۷- راهپیمایی شگوهند مردم ایران (تاسوعا و عاشورا سال ۵۷)

۱۳۵۷- تحصن استادان دانشگاه تهران  
۱۳۶۰- شهادت انقلابی برجسته رفیق شکراله پاک نژاد  
۱۳۶۱- شهادت کاک قوامی از قهرمانان برجسته حزب دمکرات کردستان ایران  
۱۳۶۰- اعدام انقلابی دستگیر یکی از سران رژیم خمینی بوسیله مجاهدین خلق  
۱۳۶۳- اعتصاب موفقیت آمیز ۲۰ هزار نفر از کارگران و کارکنان ذوب آهن  
۱۳۶۴- درگذشت نویسنده برجسته دکتر غلامحسین سعیدی  
۲۶ آذر - روز پیشمرگه کردستان خارجی:  
۱۸۲۰- تولد فردیک انگلس  
۱۸۷۹- تولد رفیق ژوزف استالین  
۱۹۴۲- تشکیل کنفرانس تهران با شرکت ایران، شوروی، آمریکا و انگلیس  
در صفحه ۱۱

برای دریافت نبردهای خلق و سایر انتشارات سازمان در آمریکا و کانادا با آدرس زیر مکاتبه کنید.

HOVE, YAT  
P.O. BOX 2891  
RESTON, VA 22090

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN  
B.P. 311  
75229 PARIS  
CEDEX 05  
FRANCE

برای فتح قله های شهدای فدایی  
پرصلابت عشق؛  
عشق به آزادی؛  
عشق به مردم؛  
عشق به برابری؛  
یامرگ یاپسروزی.

رفقای فدایی:

همایون پریزاده - قرنی حسنی - رحمت طالب نژاد  
اسدالله بشر دوست - پرویز نصیر مسلم - ابوالقاسم  
نیکجه همدانی - علیرضا بهاری پور - علی عبدالعلی -  
زاده - محمد رضا شهنواز - ملا مرزا کاروردیان چایچی  
حمید رضا سعادت - مختار قلعه ویسی - احمد اقدسی  
بهرروز بهروزنیا - حسین تدریسی - فرهود رواشسی  
محسن مدیر شانه چی - فریدون شافعی - زهرا آقباد  
نقی قلچگی - علیرضا شهاب رضوی - در مبارزه  
قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی و نیز در  
مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دمکراسی  
و سوسیالیسم طی سالهای ۵۰ تا کنون بشهادت  
رسیدند.

#### طرح پاسدار - عشایر

روز شنبه ۶۶/۷/۲۵ رادیو رژیم بنقل از معاون عملیاتی کمیته های ضد خلقی اعلام کرد که: " برای حفظ امنیت کشور توسط کمیته انقلاب اسلامی هر نوع پانگاه بصورت ثابت و سیار ایجاد خواهد شد، که نیروهای آن از میان عشایر کشور جذب میشوند." این مزدور ضرورت طرح مذکور را چنین بیان کرد: " برای حفاظت از اموال و مراعات جلوگیری از سوء استفاده بعضی عناصر ناپاب و گروهها از سوی کمیته انقلاب اسلامی طرح امنیتی به وزارت کشور پیشنهاد شد که بر اساس آن کمیته انقلاب اسلامی علاوه بر همه دار بودن امنیت کشور مسئولیت حفاظت در صفحه ۱۰

#### با کمک های مالی خود سازمان را در

#### انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم سپتان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.  
کمک های مالی خود را به میزان که باشد، بنا مستقما بدست ما برسانید و ما به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

#### حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE  
BOULOGNE - S. - SEINE  
آدرس بانک  
03780 کد گیشه  
00050097851 شماره حساب  
MME. R. T. TALAT نام صاحب حساب